

نابود باد جنگ؛ مرگ بر  
خمینی؛  
زنده باد صلح و آزادی

# نبرد خلق

کارگران و  
زحمتکشان  
متحد شوید

دوره ۴ - سال اول  
شماره ۴ / بان ۳۳

ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
پروگرامه (هویت)

۱۰ صفحه - ۵۰ ریال

## سرمقاله

### چگونه رژیم خمینی

### سرنگون میشود؟

بهبان گونه که در پایان سرمقاله شماره گذشته نبرد خلق نوشتیم، سرمقاله این شماره را به امر چگونگی سرنگونی رژیم خمینی و پاسخ این سوال که چسرا تاکنون سرنگون نشده، اختصاص میدهم. مقاله این شماره مکتب مقاله شمار قبیل، و مقاله شمار قبیل مبنای اصولی و اساس برای ورود به این بحث است زیرا که مونیستها و انقلابیون دیگر در برخورد با مساله سرنگونی رژیم ارتجاعی ضد انقلابی و ضد خلقی با دشرایط متفاوت که الزامات و تاکیک متفاوت را نیز میطلبند برخورد دارند. شرایط اول، شرایطی است که در اثر مجموعه عوامل اقتصادی، سیاسی جامعه دشرایط بحران انقلابی قرار نگرفته و زمینههای اقتصادی، سیاسی جامعه، و صمیمت رژیم حالت مبارزه بود معا دشرایطی نیست که سرنگونی حاکمیت هابه پد امر مشخص و وظیفه مبرم و عاجل تبدیل شود. در این گونه موارد عموما اقتصاد جامعه در یک رونق نسبی سیر می کند و از نظر سیاسی رژیم های حاکم در حالت تثبیت بسر می برند و از بحران هائی که اصطلاحاً آن را "بحران قانونی" میگویند فرار دارند، مبارز بود عموماً در این گونه موارد، حتی در گسترده ترین حالتش در چهارچوب های قانونی قرار گرفته و در حالت رکود می باشد.

در این شرایط، صرف نظر از تفاوت های کیفی جوامع مختلف (منجمله حفظ نقش استراتیگ مبارزه مسلحانه در کشورهای تحت سلطه) مضمون مبارزه و انقلابیون تدارک قیام بنشاید امر مشخص در دستور کار نبوده بلکه امر سرنگونی بنشاید يك امر کلی و استراتیگ در دستور قرار می گیرد. شرایط دوم، شرایطی است که جامعه در مجموعه آن، در يك بحران انقلابی (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی) سیر می کند اقتصاد در یک وضعیت بحرانی قرار گرفته رژیم حامی در پی ثباتی سیر می کند، توده ها در یک حالت انقلابی بسر می برند (علیرغم اینکه بقیه در صده ۲



### درا هتزاز یاد پرچم ظفر نمون انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

۶۸ سال پس در روز پنوا میر ۱۹۱۷ (۲۵ اکتبر به تاریخ سابق) مهم ترین تحول در آغاز این عصر و سرنگین رهداد در تاریخ بشر یعنی انقلاب پسر شکوه و کبیر سوسیالیستی در روسیه اتفاق افتاد. سنگامیکه در این روز زندگی کارگران، سربازان و وطنان روسیه بر رهبری لنین و حزب بلشویک ناخ زمستانی را فتح و حکومت لنینی را در روسیه مستقر و اعضا این دولت ضد انقلابی را بایزاد است نمودند، موجی از شورش و انقلابی جهان را فرا گرفت و نافرورگ امپریالیسم جهانی، انحصار استرالیه داری بین المللی و تمام مرتجعین، راهزنان و دزدان جهان بیداد را آمد و اولین حکومت شورائی کارگران صلح و دوستی برابری، برادری سعادت و شکیستی را ایجاد داد. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و استعرا جمهوری شورا های مسلح کارگران، دهقانان و سربازان در روسیه در اثر رشد شرایط عینی و گسترش مبارزه طبقاتی بین پرودتاریا و زحمتکشان با پرورازی روسیه پس از سرنگونی حاکمیت تزاری (در انقلاب فوریه) و نهضت های انقلابی حزب بلشویک روسیه به

## پیام مسئول شورای ملی مقاومت

به عموم جریانات و شخصیت های

آزاد بخواه و استقلال طلب ایران

در پایان گزارشی که درباره جریانات همکاری و جدائی احزاب نا پذیر ما آقای ابوالحسن سیر صدر به مردم ایران تقدیم شد ضروری می بینم بکار دیگر توجه عموم نیروها، جریانات و شخصیت های آزاد خواه و استقلال طلب ایران را به نکات زیر جلب کنم:  
۱ - شورای ملی مقاومت برای سرنگون کردن رژیم خمینی و برای استقلال و آزادی و استعرا حاکمیت ملی و مردمی مبارزه می کند. این شورا بدون آنکه بخواهد تاکیکی مسلحانه را مطلق کند، سرنگونی دیکتاتوری ارتجاعی و خون آشام خمینی را که رژیم محارزه و

بقیه در صده ۱۱

## در این شماره:

- ★ جنبش توده ای در امجدیه
- ★ ای تبا سیریم و تاکیکند اکره
- ★ بیبا نمده مشرک
- ★ تلگراف های تسلیم مسئول
- ★ شورا به رئیس جمهوری و د پهرکل
- ★ حزب کنگره هند
- ★ مطعنامه مجده کارگران - (هند)
- ★ استهدای آ باناه فدائش
- ★ برحس ازهداد های تاریخی
- ★ نتیجه جنگ در کردستان

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

نقد "طرح برنامه اقلیت"  
در صفحات ۸۰، ۷۰، ۶۵ (قسمت آخر)



سرمقاله .....

بعده از صفحه ۱

مدکن استعمود خارجی گسترده به لایم نداشت باشد. و عمود سیاسی هستند، در این حالت وظیفه مردم و عاجب انقلابیون قراردادن ساله سرنگونی و تدارک خیم در دست مردم کار خود می باشد و هر گونه تخطی از این امر بمثابة پارتیسم است. رفرمیسم و سازشکاریست. مضمون اصلی شعارها و تاکتیکهای این مرحله تعرضی است. و مبارزه انقلابی در این وضعیت مشخص بصورت جنگ داخلی (مردم علیه رژیم ضد خلقی) تجلی می کند و قیام مسلحانه بمثابة عالیترین شکل جنگ داخلی. محتمل ترین حالت در این مبارزه است. میگوئیم محتمل تر است. چون هر شرایط و بحران انقلابی الزاماً به قیام مسلحانه تبدیل نخواهد شد و چه بسا در نیمه راه بحلل متحد متوقف شود.

بهر حال جامعه ایران در لحظه کنونی در چنین حالی است یک بحران انقلابی همه جانبه همراه با یک جنگ داخلی تمام عیار وجود دارد. زیرا بعقول لنین " سرکوب هر انقلاب به معنای جنگ داخلی در گسترده ترین ابعاد آن جنگی علیه تمام مردم است " (لنین - انقلاب روسیه و وظایف پارتیاریا)

مادر سرمقاله شماره قبل نبرد خلق بحران انقلابی در ایران و ریشههای آنرا توضیح دادیم و در این رابطه توضیح بیشتری که نیاز این مقاله می باشد

ضروری نماند. تنها برای ادامه بحث جمع بندی دیدگاههای انقلابی را برترتیب زیر خلاصه می کنیم:

جامعه ایران در یک بحران عمیق انقلابی بسر می برد یک جبهه بندی جنگی واقعی از رژیم و توده های مردمی و پیشاپیش آن نیروهای انقلابی در جامعه ما وجود دارد. رژیم درین بست های متحدی گرفتارند. این بست جنگ این بست سرکوب، این بست اقتصادی این بست فرهنگی.

این بست دیپلماسی توده های مردم عمیقاً حواسنار انقلاب و تسلیم سرکوب نشد فاند. ساله سرنگونی رژیم خمینی و نیروی جانشین، مردم ترین و محرمترین وظیفه نیروهای انقلابی است. اکنون با این مقدمه میتوانیم وارد مساله چگونگی سرنگونی رژیم شویم. یک رژیم سیاسی به حالات زیر ممکن است سرنگون گردد و نیروی جانشین آن گردد. صرف نظر از آنکه این نیروی جانشین بتواند حاکمیت خود را ادامه داده و تغییر ماهیت دهد یا هر حالت دیگری که مورد بحث کنونی مانیست.

۱- از طریق عوامل خارجی یا اشکال کودتائی که منجر به حاکمیت ارتجاعی دیگر شود.

۲- از طریق جنبش توده های بنحوی که جبران جانشین با سوار شدن بر موج جنبش توده ای و فریب و استغناء از خلا رهبری، خود را حاکم نماید و بهرحال اراده توده ها حاکم نشود.

۳- از طریق مبارزه عمدتاً در بالا که در ادامه آن منجر

به گسترش مبارزه توده ای و اعمال اشکالی از حاکمیت نمایی توده ها شود.

۴- از طریق مبارزه مستقیم انقلابی و جنبش توده ها که از طریق قیام مسلحانه اراد توده ها به حاکمیت برسد. در تاریخ مبارزه خلقهای جهان موارد متعددی از این اشکال سرنگونی دید شد ماست آنچه مورد نظر ماست و بر روی آن تاکید داشته و انقلابی کنونی را در این پروسه میدانیم حالت چهارم یعنی انقلاب از طریق قیام مسلحانه توده های استقرار دولت سوسیالیست است. ارکان قیام که بهترین وظیفه آن رعیت به مجلس موسسان می باشد است.

توضیح این نکته ضروری میدانیم که بنظر ما قیام آتی در جامعه ما تفاوت های کیفی با قیام ۲۹ بهمن خواهد داشت. این قیام دقیقاً سازمان یافته و نیروی آن باید

در یک پروسه شکل گیرد و در اینجا فاصله ماههای بهمن ۲۹ بهمن ۵۷ ساله و زوای یک ماه می باشد. اکثریت نیروهای انقلابی فعال در عرصه های عمل (با هر میزان مملکتی که دارند) بر این امر اتفاق نظر دارند که صورت آتی جنبش توده های خصلت انفجاری آن می باشد زیرا سرکوبهای وحشیانه رژیم خمینی و تانسیل قدرتمند و جبرتمند توده ها بنحویست که هر روزهای سبب انفجار عظیم توده ای میشود. آنچه مانع اصلی و عمدی بر روز جنبش توده هایست.

سرکوب عریان و بیجان گسیخته رژیم است و بنا بر این وظیفه تاکتیکی انقلابیون علیه بر این سرکوب است و از آنجا که جنگ داخلی همانند هر جنگ دیگر مساوی بر سر خود نیروست، بنا بر این اساسی ترین عامل در تدارک قیام، بسیج نیروی مردمی و جنبش توده های مسلحانست. این بسیج باید سازمان یافته و پشترکن

باشد و از اینرو مستعد واحد های محلی مقاومت توده ای اصلی ترین شکل سازمان یابی توده های مردم است. رژیم خمینی نیز در مقابل این نیروی توده ای خود را بسیج سازمان می دهد. رژیم خمینی رژیمی است که از نظر توده ها بسیار مغرور است. تمام حرکات رژیم توده ها با از جدائی روز افزون توده های مردم از این رژیم است. همین حرکت اخیر مردم در ورزشگاه امجدیه که حرکتی خود جوش سازمان نیافته بود اوج تنفر مردم از رژیم نشان داد.

اما این رژیم برخلاف رژیم شاه دارای یک پایه گاه مشخص است که میتواند منبسط به انسانی اش باشد. نیروهای رژیم هر چند در محدود و غیر مردمی باشند

معالوفت سازمان یافته بعضاً منافع طبقاتی اجتماعی و ایدئولوژیک مشخص آنها را بدنبال رژیم کشند و علاوه بر آن رژیم با اتکا به درآمد نفت و خرید تسلیحات و مایحتاج این قشر محدود آنها را بکسب مزدوران مومین به رژیم تبدیل کرد ماست. اشکال اصلی رژیم خمینی به سازمانهای سرکوبگر باقیمانده از رژیم شاه نیست ( اگرچه از آنها تا جایی که قدرت و تنفر باشد استفاده معالی شخصی می کند ) رژیم خمینی سازماندهی نیروهایش را بنحوی انجام داد که بتواند با اشکال پرولاپت فقیه، ارتش سرکوبگر خاص خود (سپاه پاسداران، بسیج، کمیته ها و چندین گشت

سرکوبگر) دستگاه اطلاعاتی خاص خود و تشکیلات سیاسی خود را اداره نماید. تمام نیروهای که چه به علت مزیقه مالی و چه تحت اجبار متحد در سازمانهای سرکوبگر رژیم هستند، نیروی همیشه در صحنه ها و بیرون در صحنه سرکوب قیام مسلحانه نخواهند بود. نیروی اصلی رژیم کسب نظامی سازمان یافته و با منافع اقتصادی، اجتماعی، ایدئولوژیک است، نیرویست محدود اما دارای قدرت قدرتی که توانست است تاکنون مانع تحقق قیام شود، این قدرت و نیروی باید با قدرت و نیروی مردم شکسته شود این نیروی محدود به علت در دست داشتن حاکمیت، به علت اشکال هبانه نهاد سرکوبگر، به علت در اختیار داشتن دستگاه تبلیغاتی، به علت اشکال رآمسد نفت و صحت در دست داشتن بازارهای خرید اسلحه و احتیاجات روزمره اش به محیبات خود تا آنجا ادامه میدهد که قدرت انقلابی و توده ای آنرا در هم شکند، بازمه تکرار تاکید می کنیم که نیروی انقلابی نیز در لحظه فعلی در مرحله ساختن است. هر چه شود و آماده قیام شود، و از این جهت سازماندهی واحد های مقاومت باید گسترش یابد و ایجاد هر چند بیشتر توده های پیدا کند. تاکنون سازماندهی نیروها مقاومت بنحو مؤثر پیشرفت معاهدین خلق در ایجاد سراسری دران نقش برجسته اصلی داشته است. نیروهای مقاومت در اشکال زیر سازمان یافته اند.

۱- در ایجاد سراسری نیروی سیاسی - نظامی مجاهدین خلق و در ایجاد منطقی حزب دمکرات و نیز نیروهای دیگر جریانان ترقی خواه و مبارز که نیروهای اجتماعی این نیروها که در ایجاد سراسری هسته های مقاومت مجاهد خلق و در کردستان نیروی پیشمرگه دمکرات می باشد. علاوه بر آن نیروهای مقاومت و هواداران سایر نیروهای انقلابی.

۲- مبارزات توده های اجتماعی افشار و طبقات مختلف مردم و بیرون مبارز طبقه کارگر.

۳- منظور ما وصل کردن مبارزه اشکال او با مبارزه در شکل ۲ احتیاج به یک حلقه واسطه دارد که سازماندهی آن یک وظیفه حیاتی بیرون برد و شجاعانه در این خلق بعنوان یک نیروی سراسری و حزب دمکرات بعنوان نیروی اصلی در کردستان می باشد. این حلقه واسطه سازماندهی توده های مردم و مبارزه این توده ها در واحد های محلی مقاومت می باشد. این واحد ها که اساساً حاصل توده ای داشته و دارای هیئت عموم خلقی (تعاونیه به یک جریان خاص سیاسی) می باشند واحد هائیت از نوع پایه های ارتش خلق که در مجموع ارتش خلقی را تشکیل میدهند.

مجموعه این نیرو که سازمان یافته و دارای رهبر، متمرکز و هشیار می باشند می توانند بر اساس تحلیل مشخص و یادارک لفظی مناسب سربه اساسی را بر بر رژیم وارد و نیروی بالفعل آنرا در هم شکنند.

مجموعه این نیروهای سازمان یافته قدرت مقابله با نیروی سرکوب قیام را دارند و بدون تمرکز سازمان

**رهبری طبقه کارگر**  
**ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است**



سرمقاله ....

دادن این نیرو قیام غیر ممکن است.

در خانه این بحث جادارد به رهنمودهای لنین در مورد قیام مسلحانه که خود وی نیز آنرا بکار گرفت اشاره نمائیم: " ... ولی قیام مسلحانه نوع مخصوصی از مبارزه سیاسی است که تابع قوانین مخصوصی میباشد، و در آن به وقت باید به دقت تعمق نمود، این حقیقت را کارل مارکس با ذکر اینکه "قیام" مسلحانه "همپایند چنگه یلغین است" بسا وضوح شگرفی بیان نموده است. بین قواعد عدلین و نگرانی نکات زیرین را ذکر می کند:

- ۱- با قیام هرگز بازی نکنید و هنگامی که شروع کردید، قیام را سرخ داشته باشید که باید تا آخر قیام پایید در محل قطعی در لحظه قطع نفوق قیام داشت. زیرا در غیر این صورت دشمن که دارای آمادگی و سازمان بهتری است قیام کنندگان را نابود خواهد کرد.
- ۲- چون قیام شروع شد با قطعیتی هر چه کمتر، جتماً و بی چون چرا به تعرض پرداخت.
- ۳- دفاع مرگ قیام مسلحانه است.
- ۴- باید کوشید خصم را اغلب گریز ساخت و لحظه ای را بدست آورد کمسایان را نماند.
- ۵- باید هر روز (و میتوان گفت هر ساعت) چنانچه پای یک شهر در میان باشد) به گامی هائیلو کوچک نائل آمد و بدین طریق به تدریج شده لغوی روحی را حفظ کرد. (لنین.....)

جا دارد به این نکته نیز تاکید کنیم که اگر این واقعیت که شورای ملی مقاومت عمیقاً به رهبری سیاسی - نظامی قیام مسلحانه مردمی برای سرنگونی رژیم خمینی کرده، در این شورا نقش محوری و اصلی بعهده سازمان مجاهدین خلق است و بنابر این مسئولیت منبسطاً نسبت به حلقه در حل مسائل کلیدی قیام و منبسطاً به هر کس که در این شورا نقش محوری در هم شکنند و ارتجاع، مسئولیت اصلی است. بدون اینکه دیگران و منبسطاً به مجاز به شانه خالی کردن از زنجیر مسئولیت باشم. بنا بر این رکن اصلی تدارک قیام که رکن داخلی است تدارک نیرو سازماندهی و آماده سازی آن برای مقابله با نیروی سرکوب بالفعل رژیم می باشد. اما هیچ قیامی بدون آماده سازی نسبی شرایط بین المللی غیر ممکن است. یعنی اگر شرط لازم و اساسی را شرایط داخلی بدانیم، شرط کافی و آمادگی شرایط بین المللی است. آمادگی شرایط بین المللی بدین معنی که رژیم خمینی عداقت پستیانی مادی و معنوی بین المللی گردد و اکثریت دموکراتیک نیز مشروعیت و حقانیت بین المللی (که الزماً ما تحت اجبارات معینی متحقق میشود) بیابان در شرایط کنونی رژیم خمینی از نظر افکار عمومی و جریانات بین المللی کاملاً ایزوله است. ولی به همین رژیم از غرب و شرق کمک مادی میشود و در زمینه‌هایی در رقابت‌های بین المللی رژیم خمینی تنگناهای خود را حل می کند. طبیعتاً اگر نیروهای

بین المللی از اکثریت دموکراتیک بطور جدی حمایت نمی کنند بدین دلیل مهم است.

اولاً - آنکه این اکثریت مستعمل است.

ثانیاً - آنکه هنوز چشم انداز قابل قبولی برای سرنگونی این رژیم در نظر ندارند.

الترناتیو دموکراتیک به هیچ وجه نمیتواند و نباید از مسأله استقلال کوتاه بیاید. زرادرات صورت هم خود و هم انقلاب ایران را منتهی کرده است. آنچه وظیفه اکثریت دموکراتیک و نیروهای انقلابی است در این میان باید اراسته تصهر واقعی از رژیم کنونی و ضروری جاننشین است، کاری اگرچه پیشرفت قابل توجیسی در آن مشاهده میشود اما در مقیاس ادعای اکثریت دموکراتیک هنوز کافی نیست. شورای ملی مقاومت باید بهمه نیروهای بین المللی کوشش کند که رژیم خمینی علاوه بر آنکه نمایند مردم ایران نیست، نیروی بحران زو تشنج افرن در منطقه است و در ضمن شورای ملی مقاومت بخنوان یک نیروی جاننشین با پایبندی به اصول اساسی خود یعنی استقلال، مکرسی، صلح و عدالت اجتماعی می تواند این رژیم را سرنگون و یکی از مضرت‌ها عوامل تشنج افرنی در منطقه (یعنی رژیم خمینی) را به زیاده دان تاریخ بسپارد. اکنون هر نیروی بین المللی با هر ادعائی که داشته باشد یا بدستخواب کند، ما ایران در بند خمینی جا ایران دموکراتیک به رهبری شورای ملی مقاومت، هرگونه حساب باز کردن روی شامو شاهزاده، شیخ، شیخ زاده نوکری اختیار و با احتمال نیروهای میانی از هر قوم و هر شکل از درون و از بیرون، از جمله امام خطا غیر امام از جبهه متحد ارتجاع حزب توده، جبهه جبهه اسلامی بنی صدر و ... یک توهم و خیالی باطل است و در ضمن شورای ملی مقاومت و نیروهای انقلابی، مسئله آن این بار اجازه نخواهند داد از بالای سر مردم، روی منافع آزادیخواهان و استقلال طلبان آنها معامله و مذاکره شود و تنها این شورا است که با اتحاد سیاست عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر منطقه با اتخاذ سیاست صلح و همزیستی، با تائید حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خویش، با مخالفت با سیاست سرکوب انقلاب می تواند صلح منطقه را تضمین نماید و بنا بر این شورا باید علاوه بر یک جبهه بین المللی علیه رژیم خمینی و سود منافع استقلال طلبان و آزادیخواهان مردم ایجاد نماید. جبهه‌های که منظر ما جز راست ترین جناحهای امپریالیسم بین المللی، که استراتژی آنها حفظ این رژیم در هم شکستن شورای ملی مقاومت و ایجاد یک اکثریت دموکراتیک است، همه را میتوانند در برگیرند. ضمن اینکه برای همین نیروها می که در حال حاضر اکثر آنان بالقوه هستند باید تفهیم شود که قیام شورای ملی مقاومت به نمایندگی از طرف مردم بحریه ایران اینست که "بهبیج شغالی باج داد نخواهد شد" و شورای ملی مقاومت تنها بر پایه منافع اساسی مردم ایران حرکت خواهد کرد.

این بود مجموعه شرایط داخلی و بین المللی که منجر

به سرنگونی انقلابی رژیم خمینی می گردد تمام کسانی که با تکیه بر شکست انقلاب، فقدان بحران انقلابی، فقدان اکثریت سیاسی و ... سرنگون شدن رژیم خمینی را توجیه می کنند در واقع به توجیه رژیم، اپورتونسم و پاسیفیسم خود مشغولند. آنها در بهترین حالت چهل ساله خود را به نمایش بگذارند و در بدترین حالات نجات ارتجاعی و ضد انقلابی خود را جریانی می کنند. اکنون از زاویه انقلابی این مسأله روشن میشود که چرا رژیم خمینی تاکنون سرنگون نشده است. در این رابطه نیز نیروهای اپورتونست و ضد انقلابی همه کاسکوزها را بر سر مجاهدین حلق می شکنند که چرا در ۲۰ خرداد شروع کردند و "۲۰ خرداد زود بود" و اساساً "علت همه کسارت‌های خمینی و ارتجاع لبنان گیسخته" نه خمینی بلکه علیات مقاومت مجاهدین بود است. طبیعتاً این روشکستان سیاسی نمی گویند که اگر مجاهد در ۲۰ خرداد مقاومت نمی کردند، آنوقت تاریخ همان صبر خیانت که به حزب توده بخاطر عدم مقاومت در ۲۸ مرداد ۲۲ زد به مجاهدین نمی زد و .....

بنظر ما ۲۰ خرداد یک نقطه عطف تاریخی در جنبش رهایی بخش مردم ایران است و در یک ضرورت بود. اما چیزی که خود مجاهدین نیز بسا اشاره نمودند و بیان کرده اند، یعنی تصور سقوط سریع رژیم مسأله دیگریست. قدر مسلم به بعد از ۲۰ خرداد وجه در لحظه کنونی تمام پارامترهای لازم و منبسطاً اساسی ترین آن یعنی نیروی سرنگونی فراهم نبود می نیست. اکتیون‌های سراسری و منبسطاً حرکات هفته شمار مرگ بر خمینی نشان دهنده رشد تصاعدی این نیروست. این صبر است که در صورت آماد شدن شرایط بین المللی (که دقیقاً در پیوند باهم می باشند) منجر به سرنگونی رژیم خمینی خواهد شد و این چندان دوری نیست. اکنون تمام تاکتیک‌ها تمام شعارها و تمام اقدامات داخلی و بین المللی باید در جهت سازماندهی و بسیج نیروهای اجتماعی باشد. در این راه زنان و مردان بسیاری جان خواهند باخت ولی راهی که انقلاب ایران برگزیده، راه رهایی است. تمام فعالیت‌های انقلابی که تاکنون صورت گرفته، تمام اعدا، اشهادت‌های خیابانی، شکست‌ها، زجرها و حیره انقلاب است که به نیروی مادی تبدیل خواهد شد. حورشید فروزان قیام خواهد درخشید. ما به این لحظه ایمان قطعی داریم از همه آن‌ها. نیکه هنوز نخواستیم بتوانیم استعاند به اعزاز فضل‌رسانی ایمان، بیاروند دعوت مرگیم که دشمنان خود را بساز. کنند. سحر نه طلع خوشد است. جنبش تودائی در ورزشگاه امجد به نشان داده مردم انقلاب را باور کردند. انقلاب را باور کنیم.



پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلق‌های ایران



# اخبار کوتاه

مدیر عامل شرکت حمل و نقل بین المللی (وابسته به وزارت ترابری) شخصی است به نام شمس، ایمن شخص همراه با موسوی نمایندند. اثر در اطریش و حاج محمدی مسئول انجمن اسلامی و مدیریت اداری شرکت و فرد دیگری بنا بر ازارع اقدام به احتلاس ۳ میلیون دلار می نمایند و بابا زکریا حساب بانکی در اطریش این پول را با لای می کشند. بعلمت اختلاف شدید در حکومت این اقدام لو میرود و جناح مخالف موفق میشوند موسوی (پسر یکی از آخوند های تهران) را از اطریش بختبران بیاورند و هر چهار نفر را بازداشت نمایند.



انجمن اسلامی شرکت تاجر ایران اطلاعاتی مبنی بر برگزاری مراسم عهد قربان صادق روز کلیه کارگزاران خواهد که در این مراسم شرکت کنند. صفا در این روز مزد و ران انجمن میجو استند جوایزی بجهت جبهه شرکتید هند این اطلاعیه یک روز قبل از مراسم در تابلو اعلانات نصب شد و موزاریده مراسم از ساعت ۲ بعد از ظهر یعنی یک ساعت زودتر از موعد تعطیل شد. کارگزاران مراسم را کاملاً تحریم نمود و آنها نماندند و سوله تخلیه داشته اند پس از تعطیل کار خارج می شوند. عدای هم برگردیم در ریافت کرد و واز محوطه کارخانه خارج می شوند و اکثر کارگزاران میمانند و بدون اینکه در مراسم شرکت کنند ساعات حرکت به سرپردهای شرکت می مانند و در مراسم شرکت نمی کنند.

از مجموع ۶۰ نفر پرسنل این شرکت تنها حدود ۱۰۰ نفر در مراسم شرکت می کنند.



در حرد اما حاصل یکسواستفاد و احتلاس ۸۴ میلیون (نومان) در نجف آباد توسط اهادی رژیم صورت می گیرد. در این احتلاس مهدی صالحی (مسئول سپه) ایزدی (امام جمعه) رضوی نمایندند و منتظری و فرماندار و رئیس بنیاد مستضعفین شرکت داشتند این افراد سهمیه برج تقدشکر، آهن لاستیک این شهر را دزدیده و در شهرهای دیگر در بازار آزاد بفروش میرسانند.



در مد رسه دحترانه اتفاق (مد رسعلیمی ها) دحتران را مجبور به داستن روسری می کنند و در هر رنگه تفریح آخوندی از حوزه های علمیه برای آنها سخنران می کند.



از دانشسرای سابق لنکرود برای زندان استفاده میشود.



یک گشت جدید در تهران بنام علی اکبر برای سرایان مشمول براه افتاد است.

روز یکشنبه ۴ نوامبر (۱۳ آبان) اولین انتخابات عمومی در نیکاراکوئه انقلابی انجام و در این انتخابات رئیس کشر، نائب رئیس ۹۰ نمایند. مجلس انتخاب شد. در این انتخابات مردم مهران نیکاراکوئه با انتخاب رفیق دانبل اورنگا از جبهه ساندینست اعتماد کامل خود را به رهبری سیاسی انقلاب نیکاراکوئه نشان دادند. ما انتخاب رفیق دانبل اورنگا و دیگر رفقای ساندینست را به مردم نیکاراکوئه و رهبری جبهه ساندینست تبریک می گوئیم.

سرکوب و بیماریان خلق محروم کرد، برای گسترش فقر، گزانی و آوارگی و... برای جنگ افروزی و توطئه در منطقه. خمینی رژیم ضد انقلابی اش را چه زود تاریخ و حکم آنرا در مسرد خلف جنایتکارش محمد رضا به فراموشی سپرد فاند، آنها گناه فراموش کرد فاند که "شاه" با همه امکانات و وابستگی اش با تمامی جنایات که آفرید و با تمامی فقر و بدبختی و آوارگی که پسری مردم محروم میبختان ایجاد کرد، نتوانست از آتش خشم خود معذورمان باشد و سرانجام یاد سستی ی هر قدرت کارگران و زحمتکشان تمامی خلق های محروم به زباله دان تاریخ سپرد شد.

هموطنان مبارز  
کارگران و زحمتکشان

چهارم آبان ۱۳۶۱ فدائیان خلق عزت بهرامی مریم دژآگاه محمد سلیمانی - عبد الرضا ماهیگیر محمد داود نوری - مجتبی دژآگاه و مهران محمدی به همراه مجاهدین خلق مهین شهیدی - محمد شریفی پور - هادی آزاد و مهین ابراهیمی به جرم مبارزه برای استقلال دمکراسی و صلح و عدالت اجتماعی توسط مزدوران رژیم خمینی به جبهه اعدا سپرد شدند آنها که خون پاکشان را برای پاک نمودن همه نا با کبیا که رژیم ضد خلقی شاه و خمینی در مهین مان گستراند میدهند به وطنه و مردم تحت شتم شان تقدیم کردند.

در سالگرد شهادتشان، یاد آنها را گرامی میداریم و بخون سرخشان سوگند میادیم که تا پیروزی و تحقق اهدافشان لحظه ای آرام نگهیم.

چاودان یاد خاطره شهید ای بچون هفته خلق و شهید ای قهرمان ۴ آبان شهید سراراک مرگبر رژیم خمینی جلا د - زند و یاد صلح و آزادی پیروز باد شورای ملی مقامات رهروان فدائی مواد رسپخفا - پیرو برنامه (هویت)  
آبان ۱۳

بمناسبت سومین سالگرد شهادت فدای از انقلابیون شهر اراک اعلامیه ای از طرف هواداران سازمان بشرح زردر این شهر بخش شد.

هموطنان مبارز!  
سرمد مبارز اراک

دو سال پیش در روز چهارم آبان در شهر اراک مزدوران رژیم خمینی جلا د حکم اعدام میزدند. سن از بهترین فرزندان خلق که بدتها در زندان رژیم تحت شکنجه بودند را به اجراء آوردند، خمینی این پسر کفتار خون آشام بی مناسبت در این روز فرمان کشتار عزیزانمان را صادر کرد. او بوسیله این عمل جنایتکارانه بخواهستگان و مخالفهای رنگارنگ شاه اطمینان خاطر داد که اصلا نگران نباشید و اورسالت "شاه"، کارها، اهرام شعبا بعهده گرفت استوار به خلف معدومش میخیزد و این پیام را رساند که: آسوده بجاوید که اویدار است.

بیدار است برای غارتگری هر چه بیشتر از مردم تحت شتم ایران، برای بهره کشی از کارگران و زحمتکشان برای تهریاران محفی وطنی ۴۰ هزار نفر از بهترین فرزندان خلق، برای به بند کشیدن و شکنجه کردن ۱۲۰ هزار نفر از انقلابیون ایران، بسرای

در تاریخ ۱۳/۶/۲۹ آخوندی را با ۴۰۰۰ مارک که در عا معاش جاسازی کرد بود، در مرز یازگان دستگیر می کنند.



روز یکشنبه ۲۸ اکتبر ۱۹۸۴ تظاهرات به دعوت دهها شخصیت و گروه فرانسوی و منجمله حزب کمونیست فرانسه برای دفاع از صلح جهانی در فرانسه برگزار شد.



یکی از اعضای رهبری جبهه آزاد پیشرو ملی السانواد در فارابوسارتی (۴۰۸۰ - ۴۰۸۰) روز ۲۲ اکتبر (۱۱ مهر) با کلود شسون وزیر خارجه فرانسه ملاقات کرد.

سرکوب در شیلی گسترش می یابد - رژیم فاشیستی پهنوشه دست به سرکوب گسترده مردم شیلی زدند است. این سرکوبها پس از استعفای دولت پسر نظامی شیلی در ۵ نوامبر (۱۴ آبان) و استقرار دولت نظامی در شیلی ایجاد گسترده های یافته است. رژیم فاشیستی پهنوشه تا کنون بسیاری از رهبران سند پگاهای کارگری و تودهای را دستگیر نمود است.



پاسر عرفات از طرف رهبری جنبش فلسطین در پیامی خطاب به رئیس جمهور هند، تسرور جنایتکارانه خانم ایندرا گاندی را محکوم نمود پاسر عرفات در پیام خود اعلام نمود که: حلق فلسطین مواضع "قاطع"، "دوستانه" و "شجاعانه" ایندرا گاندی را نسبت به فرمان فلسطین فراموش نخواهد کرد.

## نابود باد امپریا لیسم جهانی بسوگردگی امپریا لیسم آمریکا و پایگاه داخلیش



# نقد طرح برنامه اقلیت

## قسمت آخر

در شماره ۲ و ۳ نشریه نبرد خلق بحث اول نقد "طرح برنامه" اقلیت نوشته رفیق سعید، مسئول کردستان سازمان ما میباشد. در این شماره آخرین قسمت این نقد که به وظایف بین المللی پرولتاریا پرداخته شد، چاپ میشود.

در رابطه با سیاست انترناسیونالیستی ما باید به این نکته که در مقاله نیز بدان پرداخته شد، تاکید نمایم که: مناسبات احزاب و نیروهای کمونیستی و انقلابی جهان باید مبتنی بر اتحاد و همکاری متقابل، با حفظ روحیه برادری و تفاهم و بر اساس حفظ استقلال هر حزب و نیروی سیاسی در اتحاد برنامه و سیاست ملی و انترناسیونالیستی اثر دهد. اخله در امر داخلی یکدیگر استوار باشد.

شکوهندترین نمود آن انقلاب پیروزند کیسر سوسیالیستی اکثر در روسیه، انقلابات شرق اروپا، جنوب شرقی آسیا و تشکیل یک اردوگاه از کشورهای سوسیالیستی در مقابل اردوگاه امپریالیستی استقامتی از ماده ۲ طرح برنامه اقلیت) همانطور که ملاحظه می شود اقلیت اساسا از صومعه اساسی این دوران صحبت نمی کند، به همانگونه که در برنامه حزب کمونیست "کمیته نزدیک راهبر مورد سکوت می کند. اقلیت بجای صحبت از مضمون اصلی این صبر و مشخص کردن وجه میرنده و بالنده تضاد اساسی دوران کنونی، تنها از شکل گیری اردوگاه کشورهای سوسیالیستی صحبت می کند و از روند های انقلابی در دوران کنونی اساسا در مفاد اصلی برنامه حرفی نمی زند و تنها در بخش سیاسی ست خارجی بد آن اشاره می کند. متاسفانه نه سندگان "طرح برنامه" فاقد جسارت انقلابی در طرح نظرات خود هستند و خصوصاً در این رابطه چون از تضاد های حاد درون تشکیل است بخشی خبر دارند و می دانند طیف نظری رنگارنگی را در خود جمع کرده، که یک سر آن مدافعین بولتن بحث شماره ۱ و طرف دیگر در همسایگی نظری بد گاهایی شبیه رزمندگان سابق و دیدگاه های نیمه روشنی است، این قسمت برنامه را به شکل بس نوشته اند که در واقع چیزی ننوشته باشند و بنا بر این می بتوانند همه را زلفی نمایند و هر چه بدتر "حزب کمونیست" خودشان را تشکیل دهند. اما این گونه بیچ و تاب خوردن ها برای رهبران سکتاریست اقلیت چاره ساز نیست و آنها مجبورند دوران فروپاشی خود را در اینگونه موضع های نا مشخص طی کنند و برای اینکه برای نیروهای صادق این جریان موضوع روشن شود به توضیح مواضع خود می پردازیم. ما در ماده یک برنامه اقلیت (سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نوشتیم:

دوران ما، دوران برونظام انقلابات فراسر جهان و جهانی است. دوران استعمار و ستم امپریالیسم، دوران انقلابات بولشوی و جهانی بخش خلق های فراسر جهان و دوران فروپاشی و استقلال استعمار گران. دوران فروپاشی صومعه جهانی امپریالیستی و گسترش و بالندگی سوسیالیسم در فراسر جهان. دوران پشیمانی و گسترش مبارزاتی دگرگونی برای صلح و پیشرفت است. صومعه اساسی دوران حاضر، مبارزات برای برابری و سوسیالیسم است. و تمام دگرگونی های اجتماعی، علمی و هنری در این راستا قرار دارند. مجموعه تحولات این دوران را مبارزه برای جهانی (استقلال ملی)، دگرگونی، صلح و سوسیالیسم تشکیل می دهد. امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و تمام برجستگان و وابستگان به سرکردگی سربرده و زوال یابنده فرار گرفته و نیروهای جهانی انقلاب در سراسر بالنده و روند پاینده دارند. طیفی کارگر بین المللی فراسر این دوران و نیروی اصلی و تعیین کننده در صف نیروهای جهانی انقلاب است. لنینیسم، مارکسیسم علم گوی و انقلاب گستر اکثریت بهترین تحول فراتر از هر گویی است.

همانطور که می بینید در این بند مضمون اصلی دوران کنونی یعنی گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم که به قول لنین "سرنگونی سرمایه داری و جغایای آن و تاسیس نهاد های نظام کمونیستی فحتوای عصر نهنی از تاریخ جهان است که اینک آغاز شد فاست مشخص و نتیجتاً گفته می باشد آن سوسیالیسم (نتیجه دارد و گاه سوسیالیسم) یعنی مجموعه مبارزه به روند انقلاب در جهان و جهت صدها حرکت صحر کنونی را مبارزه این سر روند انقلابی در جهت رهائی کامل بشر تشکیل میدهد. و نیز بر اساس رهنمود لنین که می گوید: "مانی توانید انهم که در یک دوران مفروض، جنبشهای تاریخی مختلف با چه سرعت و چه موقعیتی تکامل خواهند یافت؟ اما می توانیم بد انهم می دانیم که چه طبقه ای در مرکز

انترناسیونالیستی دم زد. مفهوم دوران تنها یک بحث تئوریک و آکادمیک نیست، بلکه در واقع نتیجه عملی از آن حاصل می شود. دوران "بیشایه حلقه اصلی است که باید آنرا بدست گرفت تا بتوان به زنجیره سیاست انترناسیونالیستی اصولی دست یافت. اهمیت دوران در آن است که روند اصلی حرکت تکاملی جهان و نیروهای محرکه آنرا در پیامی اگر مفهوم دوران را به درستی درک نکنیم نمی توانیم بین مضمون بین المللی مبارزه پرولتاریا و خصالت، شکل ملی آنرا به درک بالکتیکی برقرار نمایم. درک دوران، درک جهت اصلی در جهان و شناخت دو وجه آن، درک جهت رشد جوامع بشری در این مرحله، درک نیروهای این حرکت و نیروی محوری اصلی در این حرکت می باشد. البته در هر دوران علاوه بر مضمون اصلی که ضمناً مشخص کنند و وجه بالنده و میرنده تضاد و جهت اصلی حرکت نیروهای محرکه اصلی است. خصالت ها و ویژگیهای دیگری وارد می شود که پدید می آید و از دوران قبل و یا نطفه های دوران بعد است. بطور مثال اینکه بوزوازی از نظر جهانی دیگر خصالت تفرقی نداشته و یک نیروی ارتجاعی است بدین معنی نیست که اساساً در هیچ کشوری در هیچ مرحله ای در این دوران مشاهده وجود نیروی های شرقی بوزوازی نیستیم. بطور مثال دکتر سید در ایران، دکتر سون یا تسمین در چین گاندی در هند و... دهها نمونه دیگر... ولی اینها نمونه هایی هستند که با آن نمی توان جهت اصلی دوران کنونی را روشن کرد. از طرف دیگر استقرار صحر شرقی سوسیالیسم در اتحاد شوروی نباید این تصور را بوجود آورد که امکان استقرار کمونیسم در مسک کشور امکان پذیر است. استقرار کمونیسم مسئله عصر آینده یعنی عصر بعد از نابودی امپریالیسم در سطح جهانی است. بنابراین آنچه در رابطه با یک دوران مهم است اولاً مضمون اصلی آن که پیشانی کننده دو وجه بالنده و میرنده آن است، تنها جهت صحر و روند های صحر حرکت صحر و تالان نیروی (طبقه) محرکه اصلی که در محور صحر قرار گرفته می باشد. همچنین درک درست از مضمون دوران و نتیجه عملی چه در سیاستهای ملی و چه در عرصه بین المللی خواهد داشت.

حال با این توضیحات اگر به "طرح و برنامه اقلیت نظری بیفکتم" بخواهید دید که برخلاف ادعا می شود که گفتاست مفاد برنامه صریح و قاطع است، برنامه در این مورد هم مبهم کلی، غیر صریح است. چنانچه امکان تفسیر آن از هر سو وجود دارد اما جوهر اصلی نظرات "طرح برنامه" دلالت بر یک نگرش ناسیونالیستی دارد. تمام چیزی که اقلیت در مورد دوران گفته در این خلاصه می شود که: "مرحله کنونی تکامل سرمایه داری را به عصر انقلابات سوسیالیستی پرولتاریائی تبدیل نموده است. این صحر تنها است که آغاز شده

بخش دوم وظایف بین المللی پرولتاریا

محتوی مبارزه پرولتاریا اساساً بین المللی است پرولتاریا و متحد پیشرو یک طرف صفر آرا می کنند و تمامی مرتجعین و هواداران نظم کهنه در طرف دیگر، پرولتاریا و زحمتکاران هر کشور خاص باید دست آوردن هر پیروزی در مبارزه علیه امپریالیسم مرتجعین یک پیروزی برای تمامی اردوگاه انقلاب جهانی است بدست آورد. همچنین است که هر شکست پرولتاریا در هر نقطه جهان اثرات ناگوار خود را بر کل روند انقلاب جهانی برجای خواهد گذاشت. انقلاب کبیر شکوهند اکثر در روسیه و استقرار جمهوری شوراها در این کشور، یک نقطه عطف تاریخی یک تحول عظیم در آغاز عصر کنونی بود، این انقلاب یک پیروزی استراتژیک برای پرولتاریا نیست فقط روسیه، بلکه سراسر جهان و شکست عظیمی برای نه فقط ارتجاع روسیه، بلکه برای ارتجاع و امپریالیسم جهانی بود.

در غلظت رهبری حزب کمونیست چین به منجلا ب شونیم و ارتجاع بدون شک اثرات ناگوار و مغرب فوق العاده ای در روند انقلاب جهانی گذاشته و از طرف دیگر پیروزی مهمی برای امپریالیسم جهانی بس کردگی امپریالیسم آمریکا بود.

پرولتاریای ایران نیز بیشایه یکی از گرد انهای طبقه کارگر جهانی در مبارزه علیه امپریالیسم و انحصارات جهانی و برای نابودی سرمایه داری، متحد پس جهانی داشته و این متحدین دشمن امپریالیسم و سرمایه داری جهانی و مدافعین استقلال و موکراتسی و سوسیالیسم هستند. ما پرولتاریای هر کشور و هم چنین پرولتاریای ایران و کمونیستهای بیشایه شعور آگاه این طبقه وقتی می توانند بدستی در این مبارزه نقش ایفا نمایند، تا آنکه در برنامه اصولی را در این رابطه پی ریزی کنند که درک درست از دوران است که در آن عصر می بینیم داشته باشند. بدون درک اصولی از دوران و شناخت ویژه کی حصار و قانون مندیهای آن نمی توان از هیچ گونه شرکت آگاهانه در روند انقلاب جهانی و انجام وظایف



بدون شك خبر مگر آنکه مدعیان دروغین کمونیسم از نوع رهبران سکتاریست اقلیت که حاضرند واقعبین های جهانی را نادیده بگیرند تا امیال روشنفکرانه و منافع عملی خود را ارضا نمایند

۲- مبارزه برای صلح و تسخیر زدائی :

جنگ و تسخیر آفرینش خصیصه ذاتی امپریالیسم سرمایه داری است. هر دو جنگ جهانی اول و دوم در اثر ادامه سیاست امپریالیستی مبنی بر تقسیم و تقسیم مجدد جهان و گسترش بازار سرمایه بوجود آمد. تا امپریالیسم در جهان باقی است، جنگی که به صورت نطفه ای و چه جهانی (که بستگی به توازن قوا در سطح جهان دارد) اجتناب ناپذیر می گردد.

کمونیستها دشمن سرسخت و آشتی ناپذیر جنگ های امپریالیستی هستند در حالی که از جنگ های عادلانه که طبقات مستکثر علیه استثمارگران برپا می کنند نه فقط پشتیبانی می نمایند، بلکه بیشتر کمونیستها همواره اینست که خود ابتکار رهبری این جنگهای آزاد به بخشدار دست داشته باشند، در حالی که همواره از جنگهای غیر عادلانه و ارتجاعی می که بر اثر تضاد منافع گروهی از سرمایه داران و ترجمین علیه گروه دیگری بوجود آمده اند و در تاریخ گواه مبارزه بگیران کمونیستها در سراسر جهان علیه این جنگهای نارتکرانه و ارتجاعی است. بخصوص در دوره دو جنگ امپریالیستی اول و دوم و نقش حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی در خاموش کردن شهر جنگ امروزان برجسته می شود. در جنگ جهانی اول حزب بلشویک به رهبری لنین قاطعانه از صلح جهانی و خانصه دادن به جنگ دفاع نمود حتی هنگامیکه شو راهها بقدرت رسید لنین با طرح صلح پیشنهاد شریک مخصوصه نمود و از این طریق حمایت وسیع اخلسی و بین المللی محرومان و ستمدیدگان را کفرانیان اصلی اینگونه جنگها هستند را جلب نمود.

کمونیستها برای صلح پایدار می رزمند و اینرا هیچگاه فراموش نخواهند کرد که صلح پایدار در جهان تنها و تنها منوط به نابودی سرمایه داری جهانی است. صلح پایدار در جهان کمونیستی امن نپذیرد است. اما کمونیستها هیچگاه دست از مبارزه برای کنترل جنگ افروزی های امپریالیسم بر نمی دارند و در مقابل این جنگ افروزی موضع پاسیفیستی و نیهلیستی اتخاذ نمی کنند. کمونیستهای واقعی، منتظر نمی مانند تا سرمایه لسم در سراسر گیتی پیروز شود و بعداً دم از صلح بزنند. آنها همین اینکه برای اصل استراتژیک که صلح پایدار با نابودی سرمایه داری جهانی متحقق می شود، استوار می ایستند اما در هر لحظه نیز علیه جنگ افروزی امپریالیسم برای دفاع از صلح مبارزه می کنند.

امروز امپریالیستها بحالت بحران عمیقی کانها را گرفته اند و حد تبییشتی به سیاست رقابت تسلیماتی و تسخیر آفرینی ادامه می دهند و عملاً برای برپائی یک جنگ جهانی زمینه سازی می کنند. در مقابل آن کمونیستهای سراسر جهان در پیوند با توده های و محکمش و ملل تحت مستم و نیروهای مترقی و صلح طلب جهان فعالانه علیه سیاست جنگ طلبی و تسخیر آفرینی امپریالیستها و پیرو امپریالیسم امریکا بمقابله سنگر اصلی ارتجاع جهانی مبارزه

و حادث آشکار سیاسی و نظامی امپریالیسم استوار است. در طول تاریخ ملل تحت سلطه همیشه به مبارزه علیه این سیستم برخاسته اند و نیز امپریالیست های جهانی همواره و آشکارا مبارزات این ملل را مستعدیده و رابخون کشیدند. پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی تاثیر فراوانی روی مبارزات ملل تحت ستم گذاشت. در این دوره تاریخ شاهد رشد و گسترش تصادفی مبارزات ملل برای رسیدن به حق تعیین سرنوشت خویش و الغاء روابط استعماری بود. هم پس از سرنگونی دولت امپریالیستی روسیه، تنها دولت پیروزنده سوسیالیستی در جهان دولت شورواها بود. قاطعانه به دفاع از این مبارزات. برخاست و از آن پشتیبانی نمود. عصر پرشکوه مبارزه ملل برای نفعی سیستم جهانی استعمار کهن همین دوران کبیر آگاهی خلقها برای رهائی بود. با شروع جنگ

جهانی دوم بدنیال آن با پیروزی انقلاب در یکی از کشورهای دیگر و ایجاد اردوگاه کشورهای سوسیالیستی که تاثیر قاطع و مهمی بر روند انقلاب جهانی داشته است جنبشهای رهائی بخش ملل تحت ستم نیز رشد و گسترش بی سابقه ای یافت. دیگر ادامه روابط استعمار کهن برای امپریالیسم کسار ساده ای نبود، مبارزات ملل تحت ستم به کانون جوشانی در انقلابات جهانی تبدیل گردید که این آتش هر دم شعله می شد. تحت تاثیر این جنبش عظیم و نیز وجود اردوگاه سوسیالیستی و نیز مبارزه طبقه کارگر کشورهای استعمارگر و نیز سلسله مسائل دیگر، امپریالیسم مجبور به عقب نشینی می گردد و اگر چه در مقابل این عقب نشینی به روابط نو استعماری متوسل می شود ولی این عقب نشینی و این فروروشی استعمار کهن در مبارزه ملل تحت ستم یک پیروزی بزرگ بود. رفیق کبیر بیژن

این خصوصیت را چنین جمع بندی می نماید: "مسابقات نو استعماری حاصل عواملی است که مهمترین آن عبارتست از رشد و گسترش جنبشهای رهائی بخش در کشورهای تحت سلطه که ادامه مبارزات کهنه را با مقاومت روبرو می سازد، افزایش قدرت کشورهای - سوسیالیستی و کشورهای آزاد شده که سرکوب می قید و شرط این جنبشها را از جانب امپریالیستها، آنهم به صورت تهاجم نظامی مستقیم جنگ میسازد، تکامل جامعه های تحت سلطه و رشد بیروانی کمرباد و در آنها که صادر است جای شود الهارا بطور کامل بگیرد و بالاخره تکامل سیستم سرمایه داری جهانی در کشورهای مترویل که ضرورت صنعتی شدن کشورهای تحت سلطه و نوعی تقسیم وظایف تولیدی را بین مترویل و کلنسی تولید مواد خام و کالاهای ساده و اولیه در کلنسی و کالاهای پیچیده که نیازمند تکنولوژی پیشرفته و کارگر متخصص و ماهر است در مترویل) فروز می سازد" (رفیق بیژن جزینی - نبرد با دیکتاتوری)

بنابراین از هم پاشی سیستم استعماری کهن یکی از ویژگیهای عصر کنونی است. در واقع روند انقلاب جهانی در دوران معاصره جانش رسیده که روابط استعماری کهن را برای امپریالیستها امکان پذیر نساخت. آنها کمونیستها می توانند به این مسئله بی توجه باشند؟ آیا کمونیستها می توانند بدون درک این ویژگیها علل و عواملی روی آوری امپریالیسم به سیاست نو استعماری را توضیح دهند و یا خود روابط استعماری را درک کنند؟

نقد

این بیان دوران قرار دارد و بدین ترتیب محتوای عمده بحسب تکامل، مشخصات عدد و جهت تراکم تاریخی آن دوران و عمده رانیمین کنیم. (لنین نیز برچم در روحن)

ما مشخص کرده ایم که طبقه کارگر جهانی در اسامین دوران قرار گرفته و در تمام تلاطمات و انقلابات و رویداد های جهانی مهر این طبقه قفود و خواهد خورد.

اما تلاش برای پیدا کرد روضه مشخص در اینگونه موارد در برنامه اقلیت نه چاهجا مدعی دفاع یکس از حذب مارکسیستی - لنینیستی است، نتیجه است و گویا طراحان برنامه بحالت مشغولیت بسیار در سازماندهی توده های میلیونی یکسری مسایل را انهاد برد باشند و اینگونه حد اقل در موقع نوشتن شرح برنامه فراموش کرده باشند که بگویند مضمون اصلی دوران ما چیست. البته همانطوره که قبلا هم گفتیم این برنامه نهسان آقدر هم فراموشکار نیستند بلکه درک انحرافی رهبران اقلیت از صورت کنونی است که اجازه نمی دهد باصراحت مسایل ربابیان تشنگد و تنها با گفتن اینکه: همه این عوامل مرحله کنونی تکامل سرمایه داری را به عصر انقلابات سوسیالیستی پرولتاریائی تبدیل نمود است. اما ما می پرسیم چه فرضی بین این موضوع و موضوع کومله که در برنامه خود نوشته اند، نظر به عوامل فوق، امپریالیزم نه تنها بالاترین مرحله سرمایه داری، بلکه مرحله کنونی است، احتضار و زوال آن نیز هست. عصر امپریالیسم در عین حال عصر انقلابات سوسیالیستی پرولتاریاست (برنامه حزب به اصلاح کمونیست نوشته و تکمیل اتحاد مبارزان) وجود دارد. معلوم میشود کومله خیلی بی انصاف است که یک تایید ضمنی و غیر روشن اقلیت از کشورهای سوسیالیستی را با "حقائق توده ای بودن می گوید زیرا اقلیت حد اقل در فرمول بندی های خود هر روز بیشتر به مستبر نامه اپورتونیستی - سکتاریستی تبدیله نزدیک می شود. و این توده های مواضع اصولی نیز ظاهراً نباید دیرپا باشد. بهر حال ذکر اینکه این عصر، عصر انقلابات پرولتاریائی می باشد اساساً جوابگوی مسائل مشخصه ارتیک مبارزاتی پرولتاریائی نیست، اگر چه یکی از نمود های این عصر، انقلابات پرولتاریائی و شکوهمندترین و مهیتر بین نمود عصر کنونی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر در روسیه می باشد. در هر عصر ویژگیها و خصوصیات مهمی وجود دارد که تنها بر محور مضمون اصلی آن قابل تحلیل است. ما به چند ویژگی مهم این عصر که برنامه چهارم اقلیتی اساساً وارد آن نشده اند می پردازیم این مسائل عبارتند از:

فرهائی سیستم استعمار کهن، صلح و تسخیر زدائی، روند انقلاب جهانی

۱- فروپاشی سیستم استعمار کهن: تکامل سرمایه داری به عالیترین مرحله آن یعنی امپریالیسم نه تنها باعث الغاء روابط استعماری بین کشورهای مترویل و کشورهای کلنی نگشت، بلکه امپریالیسم ستم و استثمار مستعمراتی را هر چه بیشتر شدت داده است. جهان شاهد جنایات ظلم، ستم و استثمار وحشیانه کشورهای مستعمرات طرف امپریالیستهاست. روابط استعماری بر پایه



می کنند .  
اینجا واقعیتی روشن است ، حتی در مواردی هم در آن اقلیت در خارج از کشور تحت تاثیر این مبارزات تحت فشار واقعیات (که طبعا نمی تواند اقدامی آگاهانه و هدفمند باشد ) در حرکات صلح طلبانه نیروهای بین المللی شرکت می کنند . اما نه صدگان طرح و برنامه " اقلیت همچنان بر مواضع سکتاریستی خود پافشاری می کنند و می گویند مرغ پلکا دارد . آنها اساسا وظیفه دارین مورد برای خود قائل نیستند به این جملات توجه کنید :

" امروز سرکردگی امپریالیسم جهانی را امپریالیسم امریکای بنامه سنگر اصلی ارتجاع جهانی و زاندارم بیبرالمنی برعهده گرفته است ، که سابقه تسلط حاکم امپریالیستیهای جنگ طلب رازهبری می کنند ، بلوکهای متجاوز نظامی را تحکیم بخشید دست به ماجراجویی نظامی می زند و زمینه را برای یک جنگ جهانی جدید فراهم می سازد " (نقل از - طرح برنامه اقلیت)

اما اقلیت در مقابل این سیاست ارتجاعی امپریالیستی برای خود هیچ وظیفه ای قائل نیست و علا هیچگونه وظیفه مشخصی را در مقابل توده های زحمتکش قرار نمی دهد و تنها به تفسیر پدید و وضع حرکت برای تغییر آن می پردازد .

راستی چگونه می توان به مبارزات عظیم توده های خصوصا در خود کشورهای امپریالیستی علیه جنگ و تشنج آفرینی بی توجه ماند و به دفاع و تقویت این مبارزات نپرداخت ؟ طراحان برنامه اقلیت به هر کس که از مبارزه برای صلح و تشنج زدائی دفاع کند مارک توده ایپید نمی زنند ، معلوم می شود بنظر این رهبران سکتاریست حزب توده ، انقدر قدرتشند است که مبارزات چند صد میلیونی جهانی را می تواند دامن زند ، و حداقلیکه این خود رهبران سکتاریست اقلیت هستند که از یک طرف با قراقرز رفتن در موسم "جیب" عیلا بسود " راست شرکت می کنند و از طرف دیگر از ترس اینکه برد این دیربای آنها هیچ نقطه اصولی فرار نگردد ، مواضع اصولی را با مارک توده ای بودن پاسخ میدهند " راستی رهبران سکتاریست اقلیت فراموش کرده اند که جابوچینجال رهبران حزب کمونیست چین در مورد اینکه نباید از صلح دفاع کرد ، ۱۰۰ کارکن آنها را ایگجا کشاند فاست . این فقدان موضع عیلا یک موضع ناسیونال میبویست ، در مقابل مسئله صلح جهانی است . موضع اپورتونیستی راست در برخورد به صلح جهانی ، از صلح بهره جیتی ، حتی دست برداشتن از سیاست کمونیستی ، دفاع می کنند این دیدگاه تاکتیک رایج جای استراتژی می گیرد مصلح سکتاریستی "جیب" ناسیونالیستی اساسا سیاست دفاع از صلح جهانی و تشنج زدائی را رد می کند و با این بهانه که تنها باید امپریالیسم را نابود کرد ، از مبارزه مشخص و ملموس توده ها مفسر و هرود و آن روی سکه سیاست راسترا بنمایش می گذارد . موضع اصولی کما از آن دفاع می کنیم هرد و این دیدگاه که مسلما در درایت آنها نیز منعکس می شود هرزندی دارد . ما می گوئیم مبارزه ای دمکراتیک برای صلح بوسیله نیروهای جهانی انقلاب گر چه تا حدودی یقادر به کنترل جنگ افروزی امپریالیستها بود فاست ، ولی تعادل قوا در سطح جهانی به شکلی است که هنوز گرایش اصلی و ذاتی امپریالیسم

به جنگ و توسعه طلبی ، امکان استبروز وسیع دارد ، از این جهت مبارزه برای صلح ، تشنج زدائی و خنثی کردن توطئه های جنگ افروز ، انه امپریالیستها بر ستر استراتژی انقلابی برای نابودی امپریالیسم سرمایه داری انحصاری نقش حیاتی دارد " (برنامه هیت سچفا - تاکید ازین است)  
ملاحظه می شود که بهمانگونه که در عرصه ملی بر ستر استراتژی سرنگونی حقیقی مثلا از مبارزه برای تجدین یک قانون کارترقی حمایت می کنیم و هدف انیم که تحقق یک قانون کار که متعلق بر منافع کارگران باشد مستلزم سرنگونی سلطه امپریالیسم و بورژوازی وابسته و استقرار رژیم دمکراتیک است ، اما با قبول این حقیقت شانه از زهر بار مبارزه برای توده بین یک قانون کارترقی خالی نمی کنیم ، در عرصه بین المللی نیز بر ستر استراتژی انقلابی برای نابودی امپریالیسم و انحصارات جهانی از مبارزه برای صلح و تشنج زدائی دفاع و حمایت کرد و اساسا این دورا نه در مقابل هم بلکه به موازات و مکمل هم میدانیم .

۳- روند انقلاب جهانی :

در دوران کنونی کسوفیون آن که از سرمایه داری به سوسیالیسم است ، سر روند عمد مانقلابی ، چریکان تاریخ به طرف نابودی امپریالیسم و سرمایه داری را تعیین می نماید . این سر روند عمد عبارتند از :  
مبارزات دمکراتیک ضد امپریالیستی طلب تحسنتم ، کشورهای سوسیالیستی و کشورهای مترقی و کارگران کشورهای سرمایه داری ، این همه جریان عمد تاریخی دوران مدار ارتباط و دوستی لایفلاک می هم قرار می دارند . اگرچه کیفیت سطح مبارزه هر یک از این جریانات متفاوت و نیز تاثیر گذاری هر یک دیگری بستگی به شرایط متعددی دارد اما رشد و پیشرفت وضع نزول و ضعف هر یک از آنها ارتباطی با هم دارد . این جریان واحد انقلابی می گذارد ، کمونیستهای کلیه کشورها باید در اتحاد و پیوند انترناسیونالیستی با این جریان واحد انقلاب جهانی قرار گیرند . هر گونه سبیل انگاری در گسترش اتحاد و همکاری (متقا- پل برابری ، با حفظ استقلال) انترناسیونالیستی با جهان واحد انقلاب جهانی ، برابر است با ناسیونال- لیسم کورو تنگ نظرانه . سیاست اصولی در این رابطه را باید بر برنامه (هویت) سچفا جمع بندی کرد موایسن گونوشوشتانیم :

\* باید سیاست همکاری اصولی ، برابر انقلابی و انترناسیونالیستی با هم داشته بود براه تحقق ارمان های خود ، و با حفظ مواضع مستقل این تلوینک- سیاسی و اتکابه منافع کارگران و زحمتکشان کشور خود بکشوند " البته ما تانید می کنیم که حتی اگر تمام احزاب و جریانات انقلابی دارای هیچگونه انحرافی نباشند باز هم سیاست انترناسیونالیستی باید متکی بر سیاست همکاری متقابل باشد و نباید بالعمریک جهان از جریان دیگر و یا احزاب دیگر " . این موضع در اولین نشست های انترناسیونال . سوریه ثبت رسید .  
طراحان برنامه اقلیت فقط در بخش تئوریک و عمومی هیچ توجهی از این سه روند عمد و تاریخی دوران کنونی نمی کنند ، و تنها در مورد سیاست خارجی جمهوری دمکراتیک و در بخش اقل برنامه

بعین سه روند انقلابی ، انهم بطور حتم تحسنت اجبارات متحد و به شیوه معمولانه که هیچ دردهاز آنها را دوا نخواهد کرد ، اشارای می کنند . بلکه آنجا که سیاست انترناسیونالیستی مابین احزابی که بنظر آنها ، یگانه خط مارکسیستی - لنینیستی منطبق بر برنامه واید تلویری اقلیت را دارند ، را تعیین می کنند تنها بر " اتحاد و همکاری " اشاره نمود بدینگونه اینکجه مسالفاستقلال و برابری و عدم حالت درامور داخلی یکنواختی اشاره کوچکی نمایند .

معلوم می شود نویسندگان سکتاریست " طرح و برنامه اقلیت چون همرا منحرف میدانند و مشخص نکرده - اند که دام احزاب و جریاناتی با این " یگانه خط انقلابی مارکسیستی - لنینیستی که مابند افراطی بکسر آن هشتم " ( طرح و برنامه اقلیت تاکید ازین است ) همخوانی دارند ، احتیاجی به شحصر کردن نیست سیاست مابین احزاب کمونیست و انقلابی نیزند البته و اگر روزی اینگونه احزاب بوجود آیند حتما اقلیت آنها بوجود آورد و مثل کمیونستان سوسیالیست جدیدی راهپایه گذاری کرده که بنیادی ، اصطلاحا اشرفیست " اتحاد و همکاری " است و حتما این " اتحاد و همکاری " همه با اقلیت است و اقلیت این حق را برای خود حفظ خواهد کرد که از موضع برتر و تاثیر به سبب انقلابی بی استقلال تمام احزاب را زهریاد داشته درامور داخلی آنها نیز بر تریبی که خود صلاح بداند دخالت کند و . . .

البته امروز بنظر اقلیت هیچ جریان دیگری به جز خود اقلیت " یگانگی خط انقلابی مارکسیستی - لنینیستی " نیست . ( اگر اقلیت جریانی را بر سیاست می شناسد اعلام کند تا ما نشان دهیم که آن جریان چندر بعین یگانگی خط است ) .

برای اینکه رهبران این بحث این موضوع نیز روشن شود بی مناسبت نیست که اشارای هم به این عدم صراحت در بیان دیدی موضعی ( کمبود البته نوعی موضعی گیری است ) در رابطه با کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیست آنها ، بنعنائیم . در طرح و برنامه اقلیت آمد فاست که : " بعلاوه امروز در جنبش کمونیستی جهانی احزاب و سازمانهای وجود دارند که اگرچه از مارکسیسم - لنینیسم منحرف شده اند . اما این انحرافات منجر به صلح خط اپورتونیستی - رفرفیستی یا سوسیالیستی در این احزاب و سازمانها نشده است بلکه به گرایشات انحرافی رفرفیونیستی راست نظیر احزاب کمونیست شوروی ، آلمان و . . . ) با چپ ( نظیر حزب کمونیست آلبانی ) در غلطی اند . از این رو امکان تعبیر و اصلاح در آنها وجود دارد و مادام که پنجم جریان اپورتونیستی - رفرفیستی یا سوسیالیستی متامل نباشند ، در جنبش کمونیستی جای دارند " ( طرح برنامه اقلیت بخش از ماده ۱۳ ) این است موضع گیری کسانیکه . دعوی " صراحت در کلام " هستند . اینقدر را از این باشنده آن باشنده چرخش می کنند ولی نظر صریح خود را بیان نمی کنند از گرایشات انحرافی و رفرفیونیستی راست و چپ صحبت می کنند از اینکه این احزاب " امکان تغییر و اصلاح " آنها وجود دارد صحبت میکنند ولی نمی گویند ماهیت این احزاب چیست . امروز در سطح جنبش این نحوه برخورد کردن با مسائل نمی تواند حلال مسائل تئوریک و عملی باشد . اگر متلاسل



نقل

پژوه و چگیری نسبت به احزاب کمونیست کشور های  
سوسیالیستی در این سطح يك جواب نسبتا قانع  
کنند. برای سطح آن موقع جنبش بود، امروز دیگر  
این نحوه فرمول بندی موضعی ناروشن، غیر صریح  
و قابل هرگونه تعبیر و تفسیر است. ۵ سال پیش در فای  
از واژه محدود ساخته "کشور رهنمونیشی" صحبت  
می کردند و معلوم نمی کردند ما هیت "حزب و کشوریکه"  
در باره آن بحث می کنند چیست؟ آنها در تکامل خود  
به این نتیجه رسیدند که کشور مورد بحث  
امپریالیستی (و سوسیال امپریالیستی) و حزب  
مورد بحث آنها بورژوازی است. البته اگر چه این  
موضوع، موضوع بسیار ارتجاعی است ولی حد اقل دارای  
يك سیستم منطقی در روش، از نظر وضع کنندگان  
می باشد. اقلیت نیز امروز باید دست از این مواضع  
غیر روشن و اتفاقی بردارد و همان سوال پاسخ روشن  
و صریح بد هد که پلیرغم انحرافات رهنمونیشی این  
احزاب و کشورها و منجمله اتحاد شوروی، دارای چه  
ماهیتی هستند، در واقع هرگونه بحث بر سر انحراف  
و... باید بایک جمع بندی مشخص و صریح پایان  
و آن اینکه ماهیت احزاب کمونیست های سوسیالیستی  
چیست؟ بورژوازی خرد، بورژوازی واپسگرا و  
کمونیستی. رهبران اقلیت نیز از تون باید به این  
پرسش جواب روشن بد هند. در همین صورت به  
طور مرتب باید در انتظار تکرار نگذا کرد نه سیاسی

نویسندگان طرح برنامه اقلیت باشیم. همانطوریکه  
چندی پیش در نشریه "کار" از رهنمونیشی مسلط  
و غالب "دم می زدند، امروز بد هن هر گونه توضیحی  
از رهنمونیشی غیر مسلط و غیر غالب "حرف می زنند  
و البته مابخوی مید انیم این مواضع فایده اشک بازی  
از چه موضعی نشانی گیرد، مابخوی مید انیم  
نویسندگان این طرح برنامه "برای حفظ وضع موجود  
خود به برقیضی و حفظ منافع علمی روشنفکران شان هر  
چند مدتی برنامه و حرفهای خود را تعمیر مید هند و  
هر بار نیز صدعی "یگانه خط انقلابی" می شوند  
و نتیجتا هر بار از دست دادن موضع وسیعی از نیرو  
هایشان مواجه و عد های راه منفعیل و مایوس  
می کنند. اما خوبت رهبران ستار استالیست  
لا اقل بحاطر جلوگیری از سردرگمی آن مقدار محدود  
نیروی هم که دارند اگر برای یکبار هم شده و  
مواضعشان را ریک "صریح بد هن اما او اگر بنویسند.  
خلاصه کنیم: در حوزه مسائل بین المللی "طرح و  
برنامه" اقلیت بحاطر عدم توجه به رشد مبارزات  
در سطح جهان، بحاطر عدم توجه به ستاردهای  
مبارزه ملل متحد، به ویرانی سیستم استعمار  
کین، بحاطر عدم تویبه به روند های انقلابی در  
دوران تاریخی کنونی، بحاطر فقدان موضع صریح  
روی احزاب کشورهای سوسیالیستی (که بنظر  
ما و پلیرغم همه اختلافاتی که با آنها داریم، ماهیتی

پروتری و کمونیستی دارند) بحاطر نفسی دست  
آورد های سیستم جهانی سوسیالیستی به یک  
موضع نیلیستی در غلته و از آنجا که بر سر  
مسائل اساسی انقلاب جهانی بر سر مسئله مبارزه  
برای صلح و تشنج زدائی فاقد هرگونه موضع و  
سیاست روشن است، عملا مبلغ ناسیولیسیم تنگ  
نظرانه ای شده که با مارکسیسم - لنینیسم عمقا  
در تضاد و علیه منافع پرلترها میهد در سطح ملی و چه  
در سطح بین المللی می باشد.  
بطور کلی طرح و برنامه اقلیت به خاطر عدم در درک  
پروسه تشکیل حزب و دفاع از يك خواست ذهنی  
و اید هالیستی مبتنی بر تشکیل فروری حزب کمونیست  
و در حوزه سیاسی بحاطر ضریح مواضع ستارستی یا  
ماهیتی اپروتونیستی راست، پایه های اساسی آن  
را نه ماتریالیسم دیالکتیک بلکه اید هالیسم مکانیکی  
در حوزه مسائل بین المللی و انترناسیونالیستی  
موضع آنرا "ناسیونال - نیلیستی" که در ارتباط  
تنگتنگ با هم قرار ارد می دانیم. ما مجموعا این  
برنامه ریک برنامه غیر کمونیستی دانستیم و آنرا تخیلات  
و تصورات بحتی از روشنفکران خرد بورژوا و چید از  
از تود های مردم می دانیم. طرح و برنامه اقلیت  
برنامه بی علمی، بی وظیفگی و ادعاهای تو خالی  
داشتن است. ●  
سמיד - کردستان  
تابستان ۶۳

"برکناری ظهیر نژاد" و تقویت قدرت سپاه

در تاریخ ۳۰ مهر همین بایک تاکتیک مزورانه  
سرتیپ قاسم علی ظهیر نژاد را بصفت نمایند دیگر  
خود در شورا عالی دفاع منصوب نمود. این حکم  
درست پس از آنکه رژیم عملیات مملکت را خاتمه یافته  
اعلام نمود میباید در واز این جهت برای عده ای  
این تصور بوجود آمد که گویا این تعمیر گامی در جهت  
تقویت نیروهای د رون حکومت که مخالف د خاست  
بیش از حد سپاه پاسداران ارتجاع در امور نظامی  
هستند است. بطور مثال باقر معین یکی از مفسرین  
راد پو بی بی سی در برنامه جام جهان نمای روز  
۱۲ آبان ۶۳ برای این اقدام خصنی اهمیت بسیار  
قائل شد و اینگونه نتیجه گرفت که شایعه استعفا  
ظهیر نژاد و نیز شایعه ناراضی او از مداحلصه  
سپاه در ارتش و امر جنگی درست بود مو خصنی با  
این تعمیر گامی در جهت تقویت نیروهای "میانی"  
در حکومت برداشته است و در صد است تا اوضاع  
جنگ را بدست کشور مداران "بسپارد".  
البته این تفسیر های ذهنی قبل از برکناری ظهیر  
نژاد از ریاست ستاد ارتش و انتصاب سرهنگ  
اسماعیل سهرابی یکی از عناصر سرسپرد رژیم  
سابق و یکی از مهره های سرکوبگر رژیم همین صور  
گرفت. درست يك روز بعد از تفسیر راد پو بی بی سی  
سی خصنی در تاریخ ۱۳ آبان ۶۳ طی حکمی  
سرهنگ اسماعیل سهرابی راه ریاست ستاد مشترک

ارتش منصوب نمود. خصنی در حکم خود یاد آور  
نمود که: "با شایستگیهایی که در میدان نبرد علیه  
دشمنان اسلام و ایران از نما گزارشده است  
و همچنین پتان به دیانت مقدس اسلام جناب عالی را  
به ریاست ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی  
ایران منصوب می نمایم".  
سرهنگ اسماعیل سهرابی یکی از مزدورانی است  
که وفاداری خود را نسبت به رژیم خصنی با سرکوب  
جنبش انقلابی خلق کرد به اثبات رسانده و  
همانند صیاد شیرازی از مزدورانی است که با  
سیاستهای سپاه پاسداران قابلیت تطبیق  
بیشتری دارد. برکناری ظهیر نژاد از ریاست  
ستاد مشترک ارتش و سپردن يك پست تشریفاتی  
و مشورتی در جردوم پوی نشان د هند. تقویت  
نیروهاست که از مداحله بیشتر پاسداران در  
امر جنگی و تقویت این نیرو حمایت می کنند در ضمن  
این برکناری رها های بنی صدر، مدنی و شرکاتی  
آنها را که معتقد به يك جهان "میانی" در حکومت  
بودند و بخصوص روی مهره سرسپرد های چون ظهیر  
نژاد حساب باز کرده بودند نقش بر آب نمود. و  
یکبار دیگر ثابت نمود که این رژیم ارتجاعی با این  
ساختو یافت سیاسی قادر به "معتدل" کردن چو  
تقویت جریانات "میانی" و کشورهای مدارد در درو  
خود نبود. و نخواهد بود. همچنین این تعمیر

این جهت برنامه استراتژی جنگی. رژیم را عیان نمود  
دیگری از شدت پایی تضاد های درون حکومتی،  
پنجاهی که است. این تعمیر همچنین در شرایطی  
است که سپاه پاسداران رژیم ارتجاعی خصنی در صد  
سازمانده می مجد د خود در جنوب کشور و ایجاد  
"سپاه بزرگ جنوب" که حوزه عملیاتی آن از خوز  
ستان تا مرز پاکستان است می باشد. و معلوم  
می شود تیمسار مدنی بسیار از مرطهرت است که  
در مصاحبه با روزنامه فرانسوی لاکروا "پس از آنکه  
به رابطه خود با سران رژیم و نامتکاری برای آقا ن  
اذعان می کند" منحل شدن تدریجی  
آنان (بنظر سپاه است) در ارتش موافق هستم چرا که  
به سختی بتوان سرها آنها را منحل کرد" (لاکروا -  
۱۱ آبان ۶۳) زیرا در واقعیت امر این نیرو سپاه  
و جریانات ارتجاعی است که روز بروز تعویت میشود  
و نه جریانات به اصطلاح "میانی" و سرنویستگانی  
مثل ظهیر نژاد که در صد مدود کردن نقد رتسپاه  
پاسداران هستند هموار همگان است آنها را از  
خدمات خود به رژیم ارتجاعی حاکم ابتدا به یک  
پست تشریفاتی منصوب پس از مدتی حتی صا  
حذف کامل میشوند.

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



# بی ثباتی رژیم و تاکتیک «مذاکره»

هیچیک از حواستهای مردم تاشون جواب مثبت نداده و ننیدهد، اما حتی در صورت توافق رژیم با خواست خود مختاری قبول این امر از طرف نیروهای جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد را یک عمل انحرافی میدانند. بهمانگونه که خلقهای سراسر ایران و منجمله خلق کرد سیاست نیروهای که در پیمان کار رژیم شاه در صد گرفتن امتیازاتی (مانند انحلال ساواک، انتخابات آزاد، .....)

از رژیم شاه بودند را مردود دانست.  
۶- ما مذاکره را نه در جهت تقویت مبارزه برای دمکراسی در ایران، بلکه در جهت تضعیف آن می دانیم. و انرا پابختر اول دفتر سیاسی که به بحران عمیق جامعه بی ثباتی رژیم اشاره دارد در تناقض می دانیم.

۷- سازمان ما اگرچه این شکل از مبارزه را در شرایط کنونی مردود اعلام می نماید، اما به هیچ وجه نیروهای که بعد روغ مدعی "ملی گرائی" و "آزاد یحواهی" بود، مو تحت ابطالی چون رشد جناحهای "میان" در رژیم سازش و تسلیم خود را توجیه می کنند اجازه نمیدهد حرکات ضد انقلابی خود را با استناد به این مذاکره توجیه کنند. چرا که حزب دمکرات کردستان ایران و پیشمرگان قهرمانان در سنگر مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم حویلی و تقویت شورای ملی مقاومت قرار گرفته است.

۸- سازمان اعلام میدارد که هدف رژیم حویلی از مذاکره (که طی نوسال اول جاری با محافل، اشخاص و جریانات متعدد صورت گرفته) در گام اول در هم تکتستن شورای ملی مقاومت بنا به نیروی اصلی مقاومت علیه این رژیم ارتجاعی می باشد. بنا به یکبار دیگر از مبارزه قهرمانانه خلق کرد در راه آزادی و خود مختاری و از مبارزه مسلحانه حزب دمکرات کردستان ایران علیه رژیم حویلی و از سیاست تقویت شورای ملی مقاومت این حزب حمایت کامل نمود مو گسترش عملیات مسلحانه اخیر پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران در نپلسی روشن بر جدی ندانستن مذاکره رژیم می دانیم.

مقاومت می باشد. بر اساس این گزارش ما خود را ملزم به بیان مواضع خود میدانیم.

۱- سازمان ما از حق ملیت های ساکن ایران در تعیین سرنوشت خویش بهر شکل مورد نظر خود دفاع نموده و انرا جزئی از برنامه خود می دانیم.  
۲- سازمان ما از مبارزه قهرمانانه خلق کرد در راه کسب خود مختاری در چهارچوب ایران دمکراتیک و انقلابی که شکل مشخص حق تعیین سرنوشت می باشد حمایت کامل نموده و این مبارزه را بر حق و عادلانه می دانیم.

۳- سازمان این حزب دمکرات کردستان ایران نمایندگی حواست ملی - دمکراتیک خلق کرد و نیروی اصلی این جنبش می داند و از همه دمکراتیک و ترقیخواه مبارزه این حزب (صرف نظر از هر موضوعی که حزب دمکرات نسبت به ما داشته) تا جایی که این حزب دارای چنین همتی باشد، تاکنون حمایت صریح و فعال نموده و خواهد کرد.

۴- ما زمان ما حزب دمکرات کردستان ایران را یکی از پایه های شورای ملی مقاومت بنا به تنها اکثرانیو دمکراتیک دانستیم و معتقد است که پیوستن این حزب به این شورای ملی گام اساسی در جهت استحکام پیوند جنبش ملی خلق کرد با جنبش سراسری خلقهای ایران می باشد.

۵- سازمان مادر سرباهی که تاکتیک سرنوشتی در دستور مشخص کار نیروهای انقلابی است، مذاکره با این رژیم را برای تحقق حواستهای برنامه ای (مثل تحقق خود مختاری) را مردود و انرا یک تاکتیک غلط ارزیابی می کند. ما معتقدیم گرچه رژیم حویلی از این مذاکرات اهداف دیگری را دنبال می کند و هرگز به

نشریه، کردستان، ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران شماره ۹۹ خود را به گزارش دفتر سیاسی این حزب بعد نیم کمیته حزب دمکرات اختصاص داده. در قسمتی از این گزارش میخوانیم که: "تاکنون چند بار از سوی مقامات رژیم تماسها گرفته شده و تقاضای مذاکره گشوده است. رعای حزبی در منطقه مهلباد ابتدا چند نمایندگی رژیم را ملاقات نمودند و گفتگوهایی کردند. سپس در اوائل مرداد ماه ۶۳ از طرف هیاتی رفت و دیداری با آنان بعمل آورد. سپس در این گزارش اضافه میشود که "در چهارچوب رژیم حویلی تا همین حواستهای مردم کردستان امکان ندارد و به همین جهت حزب دمکرات شعار سرنوشتی رژیم حویلی را انتخاب کرد اکنون هم بران تاکید می ورزد با وجود این خیلی اوقات از ما می پرسند که اگر رژیم حویلی بپایان خود مختاری باشد آیا حزب با رژیم مذاکره خواهد کرد؟" در ادامه گزارش دیدگاه دفتر سیاسی در این رابطه و نیز در برهان که انتشار مجاهدین خلق مطرح میشود و نیز نوشته شده که هیاتی بدیدار نمایندگان رژیم که به کردستان آمد و بودند رتعمیر از مراجعت و ارائه گزارش خود دفتر سیاسی به این نتیجه میرسد که: "ساله جدی نیست و به همین جهت ادامه ای نیافست" در بخشی دیگر از این گزارش سیاست حزب دمکرات در رابطه با تاکتیک مذاکره بعنوان سلسلی از مبارزه توضیح داده شده و خواست حزب دمکرات که در این مذاکرات مطرح شده بیان گردیده و ان خود مختاری بر اساس طرح حزب و شورای ملی

انترنشنال شماره (۱۲) جنگ کردستان از انتشارات حزب دمکرات کردستان ایران

نتیجه، حد در کردستان در سه ماهه دوم ۱۳۶۳

تلفات و خسارات دشمن			
کشته دشمن	۱۲۳۸	آسیب	۱۳۳
زخمی دشمن	۱۰۸۵	مین منفجر شده	۱۰۳
دفعات مردم کردستان			
پیشمرگ شهید	۱۲۷	کشته پیدا فاع	۶۰
		زخمی پیدا فاع	۲۶۰
زنی آزادی در باز	۸۵	بازگشت بهافزون	۵۴
مرد آزادی در باز		مرد	

فنا نسیم پیشمرگان			
خیماره انداز	۲	موتک	۲۸
کوله سلاح سنگین	۳۵	تیربار	۱۱
نارنگک انداز	۲	سلاح سنگین	۲
آرمی چس	۱۰	تلفات دشمن	۲۸۰
		نارنگک دستی	۱۵۲
		در زمین چس	۱
		مرد	۱۹

۱- در ۱۳۳ فقره عملیات پیشمرگان از آمار تلفات دشمن اطلاعی در دست نیست.  
۲- فریب خسوردگان بهنگام بازگشت ۴۰ قبضه تفنگ، یک قبضه تیربار کلاشینکوف، یک قبضه آرمی چس ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰ عدد تفنگ و ۳۶ عدد نارنگک دستی بهمراه آوردند.

## پیروز یاد مبارزه قهرمانانه خلق کرد برای آزادی و خود مختاری



## جنبش توده‌ای در امجدیه

اصلاح پذیراست چشم اولیه مردم و به‌عبارت‌نشدن  
تصاویر رجال رژیم درس آموزند مای به این معلماً  
در وضع احلاق بود در زیر چند مکذ از اظهار  
نظر مطبوعات رژیم را برای نشان دادن عبق این  
حرکت مردمی چاپ می‌کنیم.

آنچه در این اظهارنظرها جلب توجه می‌کند این  
است که این مطبوعات مزدور همانند دستگاه  
تبلیغاتی شاه میخواهند این حرکت توده‌ای را  
چند چهره ابله و "تفاکرا احساساتی" قلمداد  
کنند و در واقع چهره حواریان رژیم با این اده  
نشان میدهند که چقدر خود ابله هستند. ضما  
روزنامه جمهوری اسلامی موقعیت را برای تعطیل  
کلی ورزش فوتبال (بعلمت اینکه جمع شدن یک  
جمعیت بزرگ برای رژیم همیشه خطرناک است)  
را مناسب تشخیص داده و توجه به‌پس از حد مردم  
به ورزش فوتبال را احلاق غیر اسلامی می‌داند.  
اماطیر هم‌اینک تلاشهای ارتجاعی و تیزاب‌وجودان  
گرایش‌های مرمیستی که انقلاب ایرانی را شکست  
خورد و ۴۰۰۰۰ یوزن حرکت مردم در ورزشگاه امجدیه  
نشانی از انشعاب عظیمی است که در جامعه  
ذخیره شده و هر لحظه امکان انفجار آن خواهد  
رفت.

ریم حمیسی پنداشته که با زندگی کردن مزدوری  
جانفدا میتواند جلوی خشم و کینه مردم را بگیرند کور  
خوانده است، زیرا مردم پس برد مانند کسراهای این  
ریم فساد و حیانت و جنایت‌ناست و دست او تا مفرق  
بحون انقلابیون اغشعاست حرکت اعتراضی مردم  
در روز مسابقه فوتبال یک بار دیگر نشان داد که  
جامعه در جوشش انقلابی سیر می‌کند و مردم  
بدنیال هر فرصتی می‌گردند تا آن را تبدیل به یک  
حرکت ضد ریم گردانند و این وظیفه انقلابیون است  
تا از این فرصتها استفاده کنند و حرکت مردم را مست  
و سودمند و تانجا پیش‌رفت که روزهای نخستین  
انقلاب را زنده کرد و با تمام قدرت و استکالی نیروی  
مردم رژیم حمیسی را همچون رژیم شاه به زباله‌دان  
تاریخ سپرد. حرکت امجدیه استان گیلان بسیار  
دیگر نشان داد که مردم حواهران قهر انقلابی علیه  
رژیمند. این حرکت مست محکمی بردهان فرست  
مطلبان پاکستانی زد که فکر میکنند رژیم حمیسی

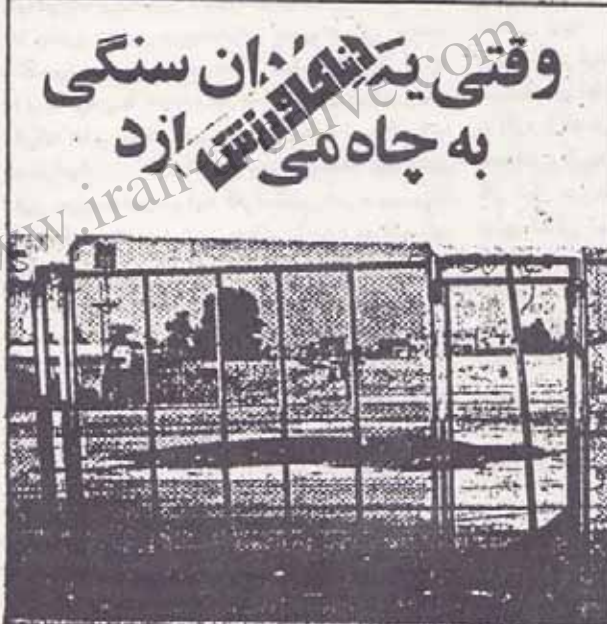
خشم و کینه‌ی جوانان مردم علیه تمامیت رژیم ضد  
بشری حمونی بار دیگر در امجدیه نیلور یافت و  
مردم دوباره حاضر و روزهای نخستین انقلاب را  
زنده کردند. در یک اجتماع ورزشی تظاهراتی  
شکل میگیرد (البته نباید هفته مبارزه را با جنگ را  
فراموش کرد) و مردم شعار مرگ بر رژیم میدهند  
روزنامه‌های رژیم می‌نهند "تاسفانه فرصت  
طلبانی بی بند و بار و شاید بداندیش و گمراه از این  
ازدحام سو استفاده کرد و بدروزچشان پلیس  
و ماموران انتظامی، حسانتی به ورزشگاه و  
اتومبیل‌های که در بیرون پارک شده بود، زدند.  
(دنیای ورزش ۱۳ مهر ۱۳۶۳ شماره ۱۲۲)  
البته هفته قبل از این حرکت در استان گیلان در  
جریان مسابقه بین دو تیم حرکتی خفیف تر از این  
رخ داد ولی مقامات جمهوری اسلامی از انتشار  
خبر جلوگیری میکنند ولی بعد از جریان امجدیه  
برده‌ها کنار میروند و مسئله گیلان رو میشود. اگر

## تظاهرات ورزشی

## در اهتزاز ..... بقیه از صفحه ۱

توانست شعارهای اپورتونیستی رهبران احزاب  
پوزیوایی و شرده و بی‌ثباتی را نزد توده‌هایی اثر  
نماید به تدارک میام مسلحانه پرداخت.

لنین در رهبری میام مسلحانه نیز نشان داد که  
چهرندی چهره دست‌رهنر انقلاب کرد ریست. لنین  
با انگا بر سر و اما تبلیغ کارگران و سربازان و اشناخت  
لحظه دقیق میام و با برنامه دقیق و همه‌جانبه‌گیا م  
مسلحانه را یک روز قبل از آغاز کار نکرده و مسواریهای  
نمایندگان کارگران و سربازان رسماً آمازو بافتح کاخ  
زستانی در یامداد روز ۲۵ اکتبر حکومت کزنسکی را  
در هم شکستود و سبب ننگره نمایندگان سوراها یانگرا ن  
د همانان و سربازان روس در همان روز مقرر تشکیل و  
لنین رابه ریاست نگره برگزید و طی بیانیه ای اعلام  
نمود که قدرت و لسی را در دست گرفت است. ننگره  
با تصویب یک سلسله قطعنامه‌ها راه  
نایب و سرمایه داری و ساختن سوسیالیسم آغاز  
و شورای رهبران خلق را بنا به تیزوری اجرائی و نشی  
به ریاست لنین تشکیل داد. و بدین ترتیب نمایندگی  
مارکس و انگلس و لنین و نیز آرزوهای صد‌ها میلیون از  
محروران و زجرکشیدگان جهان بواقمیت پیوست، و  
پس از آن هر کجا که مبارزه علیه ظلم و پیداد کسری  
وجود داشته باشد، هر کجا که مبارزه برای رهائی  
د مکرسی، صلح و سوسیالیسم جریان آشته باشد،  
اندیشه‌های ظفرنمون لنین و تجربیات انقلاب کبیر  
اکتبر پلار گرفته میشود.



خلیفه در جریان برگزاری مسابقه بین فوتبال  
در استان گیلان که در ورزشگاه رشت انجام  
شد دانشم این گونه اعمال زشت همداری  
برای مستولین و دست استواران ورزش  
می‌باشد که با برنامه‌های دقیق و اصولی از  
تکرار آن در آینده ممانعت نمایند و افراد  
مختلف و تشیع‌الفرین را تشویق و به مقامات  
فدائی معرفی کنند.

آن جوان ابله و تافه‌نگار احساساتی باید بداند  
که ورزشگاه شیروزی در هر نوع تظاهراتی  
امکانات اجتماعی به خدمت مردم و پیروان  
دوره و ناکر از چیزی عصبانی است اندک تیار  
خود می‌خورند که نسبت به کارهای نامعقول و  
بسیار بزرگ از دست‌های بی‌بند و باریست  
عصبانی شود، باید مانند خود دروازه‌بان  
مگر نمیداند برای جوان این سزارها باید با  
المان برافشاند و این سزارها است که من و  
تازه‌سرم باید از جیب پوزیوایی پس  
عقلانی با سبب خویش هم خود خورند و سوزانند  
مار و زمار کرده و تافه‌نگار تشویق کران  
فدائی پس اینکه تافه‌نگار فریب عمل کرده  
تفاهان بکنیم و از سوزان سوزان  
فریب را که عقل این نوع و تشویق می‌ماند  
تفاهان سوزان و تشویق و میانه‌نگار عقل  
اگر تعطیل وقت فوتبال یک دستگیر باشد  
باید این سزارها را تشویق کند.

مسلحانه فرصت طلبانی  
بی بند و بار و شاید بداندیش و گمراه از این  
ازدحام سو استفاده کرده و بدور از چشمان  
پلیس و ماموران انتظامی، حسانتی به  
ورزشگاه و اتومبیل‌های که در بیرون پارک  
شده بود زدند که دور از هرگونه جوانمردی،  
احلاق و انسانیت بود.

## جمهوری اسلامی

آنچه تألیف انگیز است اینست  
که مرزهایی که رزمندگان اسلام می‌روند تا  
آخرین ضربات را بر پیکر فرسوده رژیم  
عقلی و صهیونیستی صدام وارد آورند و  
سلسلین عراق را از بندها و زنجیرهای حزب  
کتیف پخت عراق ازاد سازند. عده‌ای فرصت  
طلب از ضعف هرات برگزاری مسابقات  
فوتبال باشگاهی تهران سو استفاده کرده و  
به غرض اجاز، میبند محیط ورزش را که  
مکالی است برای باروری ارتشها به جنجال  
پکشاند نظیر چنین خبری را البته به صورت

از این نقطه نظر استادبومهای ورزشی  
خصوصاً استادبومهای فوتبال زمینهای  
زیادی را دارا می‌باشند که مورد استفاده  
بسیاری از جریان‌های منحرف و مغرض و گاه  
خداوندان واقع میشود چربانانی که از  
احساسات پرشور و علاقه پاک مردم ورزش  
دوست سو استفاده میکنند و به ورزش که  
میتواند وسیله‌ای مفید برای تأمین سلامت

۲. باید به ورزشهای اصیل بها داده شود  
آیا صحیح است تمام ورزشها را فدای  
فوتبال کنیم و از ورزشهایی از قبیل  
دوچرخه‌سواری، شتا، تیراندازی و غیره تنها به  
مصاحبه و اخباری کوتاه اکتفا نماییم؟  
شکاشناگران معهد و مؤمن در مواقع  
بروز انگلانی از جانب اورانشها فریب‌دین  
ورزشی خود با حفظ نظم و اخلاق اسلامی  
مانع اینگونه حرکات کردند و سو استفاده  
چنان را نشانانی و به مقامات انتظامی معرفی  
کنند.

ماد رستم‌شود ششتمین سالروز انقلاب شکوهمند  
اکتبر این پیروزی بزرگ عسرتوشی رابعصه کارگران و  
حلقهای سراسر جهان، به هم‌عازب و سازمانهای  
انقلابی و کمونیستی جهان، به مردم اتحاد شوروی  
و حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی  
تبریک و شاد باشی گوئیم.



پیام مسئول شورا.....

بچه از صفحه ۱

بی‌نیات و بی‌آینده است، اساساً از طریق اعمال قهر عادلانه و مشروع، مسیر می‌داند و به همین دلیل مبارزه مسلحانه را مثل محوری سرگونی شناخته است که با پستی با سایر اشکال مبارزه و مقاومت سیاسی و اجتماعی تکمیل گردد و به نتیجه برسد.

۲ - شورای ملی مقاومت امروز حقا قدرتمندترین و فراگیرترین نیروی مقاومت عادلانه مردم ایران است و در میدان عمل چه از نظر نظامی و چه از لحاظ سیاسی و اجتماعی و تشکیلاتی همانندی ندارد. خصوصاً که از اعلام‌ترین درجات مشروعیت مردمی برخوردار می‌باشد.

۱ این اوماد، شورای ملی مقاومت را در صحنه داخلی و در عرصه بین‌المللی بحورته جدی‌ترین چالشین مشروع ملی و مردمی رژیم خمینی درآورده که در حال اصل‌ترین شان صلح و آزادی و استقلال و تأمین ارمنی و پیکارچگی ملی است.

۳ - شورای ملی مقاومت دربرگیرنده ایدئولوژی‌ها، طرز تفکرها و تمایلات گوناگون اقشار مختلف مردم ایران است. این شورا قصد تکمیل هیچ ایدئولوژی معینی را به هیچ فرد و گروهی ندارد و خواهان الفبا کلیه تمیضات جنسی و قومی و نژادی و عقیدتی در فضای سیاسی ایران دیکراتیک می‌باشد.

۴ - به همین دلایل، انقلابیون قدرتمند شورا را، تنها چالشین دیکراتیک برای دیکتاتوری ارتجاعی خمینی نامیده‌ایم.

۵ - بی‌هیچ مخالفت در شرایط تاریخی کنونی، استقلال ایران هیچ شانسی بالاتر و جدی‌تر از این شورا ندارد.

با قاطعیت، اساساً، تحریمی تأکید می‌کنیم که در عرصه بین‌المللی، تحریمی "شورا" در یک کلام تحریمی "استقلال ایران" است. در دنیایی که هیچ چیز را برای کشورهای تحت سلطه، بیشتر از استقلال محدود نمی‌کنند، شواری ملی مقاومت ایران در قلب خاورمیانه و در یکی از حساس‌ترین مناطق استراتژیکی جهان در قیاس با هر جانکشی و آلترناتیو دیگری تحلیفاً برجسته‌ترین شاخص استقلال است. به اشاره می‌گویم و تفصیل بیشتر را به زمان استقرار در خاک میهن محول می‌کنم که اگر چنین نبود ما (شورا) امروز می‌توانستیم بسا به قدرت نزدیک‌تر باشیم و دست‌کم کسی برجسته‌تر نتوانگیناریم و ستون پنجم عراق نیز به ما نپیوندد. اما امروز اگر چه ما سا نوظننه‌ها نیز باید مقاله کنیم اما از تحریمی سرفراز "استقلال" بسیار ماهی و غرورندیم.

۵ - این شورا تصمیم‌گیری شواری و رهبری دیکراتیک - انقلابی را به مبارزات تاریخی ملت ایران عرضه می‌کند که از یکسو فقدان آن یکی از مهمترین نقیصه‌های مبارزات مشروطه به ایتسو و عامل بسیاری ناکامی‌ها و از سوی دیگر در تاریخ سیاسی حاضر میهن ما دشمنی از در جهت بوس می‌گشاید.

تکرار می‌کنم: در زمینه ایجاد عمل سیاسی، شواری ملی مقاومت متکامل‌ترین ارمان ملی و دیکراتیک و مردمی مبارزات ملت ایران می‌باشد که البته از من شکوه‌مندترین و خوین‌ترین مقاومت سازمان‌یافته میهن ما حوشیده است.

۶ - برخلاف تشبیهاتی که بعضاً در خارج کشور الفبا می‌کنند، ما (شورا) ندانیم هر که را با ما نیست برسد خود نمی‌تاریم. بلکه قویا برآنیم که تنها کسانی که با رژیم خمینی و نقابای شاه هستند و یا به اتسو چشم دوخته‌اند، علیه ما و ملت ما هستند.

شواری ملی مقاومت که برای صلح و آزادی و استقلال و حاکمیت ملی و مردمی مبارزه می‌کند، مقاومت را نه تنها حق، بلکه وظیفه می‌داند و با این شورا دشمنی نوزیده و خواستار مثلثی‌گرایی سود خدانقلاب غالب و مغلوب نیستند. قویا "از خود" و "با خود" و "هم‌دردی خود" می‌تاریم.

۷ - به اعتقاد ما مقاومت در برابر رژیم ضدملی و ضدایرانی خمینی به منظور سرنگونی کردن این رژیم سرگورگ و سنگ‌طلب، استوارترین ریسمان وحدت کلیه نیروهای آزادیخواه و مستقل ایران در شرایط تاریخی کنونی است و سزوتوش همه آنها را به یکدیگر پیوند می‌دهد.

به همین دلیل از آنجا که شواری ملی مقاومت خواستار معاندت از انقلاب و سبدرفتن استفاده‌ها و نیروهای مختلف ملت ایران و خواستار فعال شدن و مشارکت نمودن عموم اشخاص و نیروهای آزادیخواه و مستقل است، بگبار دیگر یادآوری می‌کنم که همه آزادیخواه و استقلال‌طلبان ایران می‌توانند به هر درجه و بهیرونی که بایل باشند با این شورا همکاری کرده و

بیانییه.....

بچه از صفحه ۱۲

خلق کرد در تمام زمینه‌های اجتماعی - سیاسی و اقتصادی همچنان ادامه دارد. در طی پیش از نیم قرن، همه حکومت‌های ترکیه یکدیگر پس از دیگری جاننشین هم شده‌اند از همه امکانات برای محسو هیتملی خلق کرد استفاده نمود مو خلق کرد را در

کردستان ترکیه با این اندیشه که موجودیت بیشتر از ۱۲ میلیون کرد را باقتل عام ها ازین برده اند و در همان زمان با برسمیت نشناختن هیت ملی خلق کرد، آنها را در فقر و بی خبری رها نمودند. رژیم فاشیست ترکیه از مشاهده به صرفت مبارزه سیاسی - نظامی خلق کرد در کشورهای همسایه ترکیه (ایران و عراق) برای کسب حقوق مشروع ملی اش، وحشت زده شد و است. خلق کرد در کردستان ترکیه با همه

دیکراتیک‌های ترکیه یک مبارزه مشترکی راسرحتا نه علیه سیاست سرکوب ضد دیکراتیک حکومت نظامی ترکیه بهیژه علیه سیاست کویج اجباری روستا های کرد نشین مرز عراق - ترکیه بهیچو می برد. همان سیاستی که قبلاً توسط رژیم عراق علی شنده و رژیم خمینی هم همین سیاست را علیه دهها روستای کرد نشین در مرز عراق اجرا می‌نماید. هدف

اساسی این سیاست مشترک علیه خلق کرد عبارت از شکستن روابط اجتماعی - فرهنگی - تاریخی ما بین بخشهای مختلف کردستان است. این توافق بهیچو رژیم حاکم وستم آنها را استوار می‌کنند چرا که "نخستین وزیر ترکیه بطور علنی و با شدت از اینکه می‌پسند کردن بشدداً همین علیه خلق کرد از هم باز می‌شوند ابراز تاسف می‌شند. شاید او

محاسبات عصری را که پیشینان شوونیسم و ارتجاعیها را قتل و عام می‌کردند، باهم زنده کند؟ اما از آن زمان عوض شده است.

از یک طرف، ارتش ترکیه دعوت شده توسط رژیم عراق برای تجاوز به مرزهایش، ساکنان کرد عراق را را قتل عام کرد و است. از طرف دیگر بیشتر از چهار سال است، یک جنگ خونخیزی بین ایران و عراق جریان دارد نه نزدیک به یک میلیون کستور زخمی بیشتر از ۳ میلیون اوارموسد ها میلهارد دلار خسارت

بجا گذاشته است. رژیم های این دو کشور متقابلاً همدیگر را شتم می‌کنند که به مرزهای مشترک احترام نگذاشته‌اند. در حالیکه همین توجیهات وضعی که از اعمال شتر تا هدایت شده و علیه خلق کرد باشد، دیگر محلی از اعراب ندارد.

ما با محدودیت این توافق کج خلق کرد و جنشیر مسلم اش را در هر حیث از کردستان هدف قرار می‌دهد، از همه احزاب و سازمانهای دیکراتیک و مترقی، از همه سازمانها و موسسات بشردوست، از همه انسانها آزادیخواه، از سازمانها و متحد، از شواری ارتجاعی

دعوت می‌کنیم که علیه این کشتار اعتراض و از توجیه خویشی که به منظور ازین بردن خلق کرد توسط رژیم فاشیست ترکیه طرح ریزی شده جلو گیری نمانید. حزب دیکرات کردستان ایران، حزب به سوسیالیست کردستان ترکیه، اتحادیه میهنی کردستان، حزب پیشاهنگ کارگران کردستان، کمیته هراتسه، حزب

با لاف با آن در مسیر سرگونی رژیم خمینی که دشمن آزادی و استقلال ایران است هم‌فرد و هم‌جهت نبود.

مسئول شواری ملی مقاومت

تلقراف‌های

تسلیم مسنوا، شواری ملی مقاومت به رئیس جمهور هند و دبیرکل حزب کنگره

آقای جانی رابیل سنگ رئیس جمهور هندوستان با تاسف عمیق از ترور خانم گاندی نخست‌وزیر کشور دوست هندوستان و رئیس جنبش عدم تعهد مطلع شدم.

بی‌شک تلاش‌های بی‌وقفه و خشکی‌ناپذیر خانم گاندی در راه گسترش جنبش عدم تعهد و صلح جهانی و همچنین گوشه‌های ایشان باخطر پایان دادن به جنگ ایران و عراق برای همیشه در خاطر دو ملت ایران و هند و همچنین در خاطر همه مردم آزادیخواه و صلح‌دوست جهان باقی خواهد ماند.

ضمن محکوم کردن این اقدام تروریستی، ما یکم مراتب تسلیم و همدردی خود را به ناست این فاجعه ایستگاه به شما و اعضای دولت و مردم هندوستان ابراز دارم.

مسعود رجوی  
مسئول شواری ملی مقاومت  
و مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران  
۱/نوامبر/۸۴  
۶۳/۱۰/۱۰

آقای راجیو گاندی دبیرکل حزب کنگره هندوستان با تاسف عمیق از ترور خانم گاندی نخست‌وزیر هندوستان و رئیس جنبش عدم تعهد مطلع شدم.

بی‌شک فقدان مادر عزیزتان برای جنبش عدم تعهد و عموم مردم صلح‌دوست جهان بهیژه ملین دوست هند و ایران فاجعه‌ای بس دردناک می‌باشد.

ضمن محکوم کردن این اقدام تروریستی، ما یکم مراتب تسلیم خود را به خانواده‌ی محترمانه و حزب کنگره هند ابراز دارم.

مسعود رجوی  
مسئول شواری ملی مقاومت  
و مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران  
۱/نوامبر/۸۴  
۶۳/۱۰/۱۰

قطعه‌نامه

مجمع کارگران اتحادیه کارگری و کشاورزان هند

دلهی نو  
۸۴/۱۰/۱۲  
مجمع کارگران اتحادیه کارگری و کشاورزان هند حمایت و همسنگی خود را با مردم شجاع ایران که برای تحقق دیکراتیک علیه رژیم فاشیست - دیکراتیک می‌کنند، ابراز می‌دارد. ما سیاست کشتار مردم کردستان را محکوم کرده و از کارگران

نولاد اسفهان که در حال حاضر بر علیه این رژیم ضدکارگری، مبارزه می‌کنیم. اتحادیه‌ی کارگری و کشاورزان هند خواستار پایان یافتن جنگ ایران و عراق می‌باشد که به علت بافشاری سرکشاندهی ملایم دیکراتیک، طولانی شده است. این مجمع همچنین

تصمیم دولت هند ضمن بر آموزش جلبان ایرانی در هند را محکوم می‌کند و از دولت می‌خواهد که صدور اسلحه به ایران را متوقف کرده و از واسطه شدن در جهت ارسال اسلحه به تیران دست ببرد.

ما رژیم دیکتاتوری خمینی را باخطر نفس کامل حقوق بشر، اعدام بیش از ۳۰ هزار نفر، زندانی نمودن بیش از ۱۴۰ هزار تن و شکنجه و امتناع در ایران محکوم می‌کنیم.

ما همسنگی و حمایت خود را از مبارزه کارگران ایرانی که بخشی از مبارزه‌ی همه محرومان ایران برای تحقق خواسته‌های چون استقلال، آزادی و حکومت مردمی می‌باشد، اعلام می‌داریم. برچشم این مبارزه‌ی بی‌پروندهانه توسط سازمان مجاهدین خلق و شواری ملی مقاومت ایران برافراشته شده است.

این مجمع همچنین همسنگی خود را با تمامی کارگران جهان اعلام می‌دارد و خواستار اتحاد همه کارگران جهان جهت پایان دادن به نفی کامل حقوق کارگران ایرانی توسط رژیم وحشی خمینی می‌باشد.

نشانی اتحادیه  
راوی‌نایار  
روبوشت جهت اطلاع به:  
مسعود رجوی - رهبر سازمان مجاهدین خلق ایران و شواری ملی مقاومت

کمونیست‌تار کردستان - سازمان چریک‌های هند - تنسی خلق، ایران، - پیرو برنامه (هویت) - سازمان لاکران انقلابی ایران (راکارگر)، نشری‌مکار تشهریت سیاسی انجمن همبستگی بین‌المللی برای دفاع از حقوق دیکراتیک مردم ایران



### بیانیه مشترک

حزب دموکرات کردستان ایران، حزب سوسیالیست کردستان ترکیه، اتحادیه میهنی کردستان (عراق)، حزب پیشاهنگ کارگران کردستان ترکیه، حزب کمونیست کار کردستان (ترکیه)، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، بیرو برنامه (هویت) - سازمان کارگران انقلابی ایران (لوا کارگر) - نشریه کسار - تشویک سیاسی، انجمن همبستگی بین‌المللی برای دفاع از حقوق دموکراتیک مردم ایران.

در تاریخ ۲ نوامبر ۸۴ (۱۱ آبان ۶۳) بیانیه مشترکی از طرف تعدادی از نهروهیهای سیاسی ترکیه، ایران و عراق در اعتراض به سیاستهای احمقانه ترکیه در رابطه با مبارزه خلق کرد این کشور منتشر شد. این بیانیه به زبان فرانسوی انتشار یافت. در این بیانیه آمده است که: احبار مداخله ارتش ترکیه در کردستان عراق منتشر در مطبوعات تعاسیر متعددی را برانگیخت. نخست‌وزیر ترکیه این هجوم را بعنوان بحران توافق اصنامند. بین رئیس‌جمهور عراق دانستوارو کرد که یک چنین توافق با رژیم حمینی هم‌امضا نماید. در واقع ترکیه به یک پایگاه مقدم برای نهروهیهای ناتو، بجزیره پسرای نهروهیهای مداخله سریع امریکائی تبدیل شده است. امروزه ترکیه بیش از هر زمان دیگر نقش رانندار را در قبال جنبش‌های آزادپیش‌همه حلقه‌های منطقه، مخصوصاً خلق کرد و جنبش‌های آن ایفا می‌کند. ما پیشتر، موضع‌گیری و محتوای معاهد سعد آباد امضا شده در سال ۱۹۲۷ به اتفاق ایران، عراق و ترکیه را فراموش نکردیم، معاهده ایئه که نمیش نهروهیهای سریشی علیه اعمال خلق کرد و جنبش‌های ملی اش را در کوهانی که کرد هادرانجا ساکنند (ترکیه، ایران، عراق و سوریه) ایفا میکرد. جنبش‌های شانه بعنانه سازمانها و احزاب انقلابی و سوسیالیستی همه حلقه‌های این کشورها مبارزه مشترکی را علیه رژیم هایشان برای کسب دموکراسی و تحقق حقوق تعیین سرنوشتشان پیش می‌برند. علیرغم معاهد و در کشده در بالا، اتحاد سیاسی - نظامی بین این رژیم‌های شوونیست در عمل به منظور سرنگونی بقیه در صفحه ۱۱

### برخی از رویدادهای تاریخی

- ۷ آبان ۱۲۸۷ - اعتصاب کارگران کارخانه چرم سازی تبریز تحت رهبری سوسال دموکراتها
- ۱۲ آبان ۱۳۰۴ - میرزا حبیب واعظکویانی (فقیه) کی از کمونیست‌های ایران هنگام طرح لایحه خلق سلطنت مآجرا به قتل رسید.
- ۱۸ آبان ۱۳۲۴ - تشکیل فدراسیون جهانی جوانان دموکرات
- ۱۷ آبان ۱۳۳۲ - آغاز محاکمه دکتر محمد صدق رهبر فقیه نهست ملی ایران در بیدادگاههای نظامی رژیم شاه
- ۱۶ آبان ۱۳۳۳ - تیرباران دو مین گروه افسران تودهای
- ۱۹ آبان ۱۳۳۳ - اعدام دکتر حسین فاطمی وزیر امور خارجه دولت دکتر صدق
- ۷ آبان ۱۳۳۳ - تصویب قرارداد با تسویون نفت
- ۴ آبان ۱۳۴۳ - تصویب قانون اعطاء صونیت سیاسی به مستشاران امریکا با احیا کاپیتولاسیون.
- ۸ آبان ۱۳۵۷ - شروع اعتصاب کارکنان صنعت نفت
- ۳ آبان ۱۳۵۷ - روز دانش‌آموز، کشتار وحشیانه دانش‌آموزان قهرمان، بدست عمال رژیم شاه در دانشگاه تهران
- ۱۵ آبان ۱۳۵۸ - روی کار آمدن دولت نظامی ازهار و مزد ورو آغاز اعتصاب کارکنان مطبوعات و رادیو تلویزیون
- ۱۳ آبان ۱۳۵۹ - قتل عام روستائیان بیدفاع آیتدرفاشتر توسط مزدوران حمینی
- ۱۶ آبان - ۱۲۵ اکتبر ۱۹۱۷ - انقلاب کبیراکتبر در روسیه
- ۱۹۷۶ - اعلام استقلال آنگولا

\*\*\*

درتکنیک روتوزیع  
آثار سازمان  
بکوشیهد

برای فتح قله‌های  
پر صلابت عشق؛  
عشق به آزادی؛  
عشق به مردم؛  
عشق به برابری؛  
یامرگ یاپیروزی.

### ★ شهدای فدائی در آبان ماه

گرچه روزهای پیشگیری در سال یادآور قهرمانی‌ها و حماسه‌های شهید ای خلق می‌باشد. اما روزها نیست که عظمت آن هیچگاه فراموش‌شدنی نیست. آبانماه یادآور شهادت دانش‌آموزانی که طوسی نظا هرات قهرمانانه در دانشگاه تهران بدست عمال رژیم شاه شامه شهادت رسیدند و چنین بود که دانش‌آموزان نقش خود را در جنبش توده‌ای دموکراتیک - ضد امپریالیستی علیه رژیم شاه در تاریخ جنبش اخیر ثبت کردند با گرامیداشت شهید ای دانش‌آموز ۱۳ آبان، این روز را گرامی میداریم. \* \* \*

- ۱۲۵۰ - سرفنا: شاهرخ هدایتی - میرویس سپهری
- ۱۲۵۲ - رفیق محمد رضا عیسی
- ۱۲۵۴ - رفیق علی دبیری فرد
- ۱۲۵۵ - رفیق رحیم حدادادی
- ۱۲۵۹ - رفقا: هادی اشکانی - عثمان کزیمی در کردستان
- ۱۳۱۰ - رفقا: لقمان مدائنه - مرتضی حرمطباطبائی علی اصغر علامی - محمد چشم براه
- ۱۳۱۱ - رفقا: عبدالرضا ماهیکیر - مریم دژآگاه - جمشید دژآگاه - عزت بهرامی (موسی)
- مجید شریعی - هاشم حاجت - داود نوری - مهران محمدی

هم میهنان مبارز

سازمان برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی و رهائی بخش مردم ایران علیه رژیم حمینی به کمک های مالی شما نیازمند است. بانک های مالی خود را بهر میزان که باشد، مستقیماً بدست ما برسانند و یا به حساب بانکی سازمان مندرج در همین صفحه نشریه واریز نمود. وقتی رسید انرا بعد از نشریه ارسال دارید.

برای تماس با نبرد خلق  
با آدرس زیر مکاتبه کنید.

F. ASSELIN  
B.P. 311  
75229 PARIS  
CEDEX 05  
FRANCE

با کمک‌های مالی  
خود سازمان را در انجام  
وظایف انقلابی یاری رسانید

CREDIT LYONNAIS BANQUE  
2365  
MME. TALAT R. T.  
2617 G  
شماره حساب  
LES HAUTS DE CHATOU  
78100 CHATOU FRANCE

## زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم